مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات ، شماره ۲۰ ، تابستان ۱۳۹۹جلد۳، ص ۱۰۰-۷۰
http://www.jrse.ir

بررسی نقش یهود از صدر اسلام تا واقعه و حوادث عاشورا

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال ششم)
شماره ۲۰ / تابستان ۱۳۹۹ / ص ۱۰۰-۷۰

محمد قشلاقی[۱]، میلاد نبگانی[۲]، سید برزو جمالیان زاده[۳]
[۱] دانشجوی کارشناسی راهنمایی و مشاوره ،دانشگاه فرهنگیان شهید ایزدپناه یاسوج
[۲]دانشجوی کارشناسی راهنمایی و مشاوره ،دانشگاه فرهنگیان شهید ایزدپناه یاسوج
[۳]دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز،مدرس دانشگاه فرهنگیان

نویسنده مسئول:
سیدبرزو جمالیان زاده

چکیده

از آنجا که از صدر اسلام تا کنون، یهود در تقابل با اسلام بوده و در عصرهای گوناگون به شیوه های متفاوت و غالب های مختلف آن را نشان داده است، نوشته ی حاضر با عنوان «بررسی نقش یهود در صدر اسلام و صهیونیسم در عصر حاضر»، درصدد است ریشه ها و نمادهای این تقابل را مورد ارزیابی قرار دهد. چنان که این امر مورد توجه خاص خداوند متعال در جای جای قرآن کریم نیز می باشد. قوم یهود در طی تاریخ مدید و پرفراز و نشیب خود از ابراهیم تا موسی و داوود و پس از آن با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم کرده است، گاهی به خاطر گردن فرازی و خودخواهی به خاک ذلّت نشسته و گاه با اطاعت و بندگی معبود، بر اوج عزّت گام نهاده است. یکی از دوره های پرماجرای قوم بهانه جوی یهود، عصر رسالت پیامبراکرم(ص) می باشد. یهودیان که گسترش دین مبین اسلام را به زیان منافع خود می دیدند از همان آغاز ظهور دین اسلام دردسرهای بزرگی برای حضرت محمد ایجاد کردند؛ در حالی که دانشمندان یهود، خود در انتظار ظهور اسلام بودند و نشانه های پیامبر(ص) را در کتاب خود دیده بودند. اما از آن جا یکی از خصایص دائمی قوم یهود ، با توجه به مطالعات تاریخی ، پیمان شکنی بوده است ، در زمان بعثت پیغمر با وی به مخالفت پرداختند و در حادثه تاریخی عاشورا که نقش بسزایی داشتند و در جبهه ی مخالف حق نبرد می کردند ، تا آن جاکه با امام زمان خود به ستیز پرداخته و هم اکنون نیز در عصر حاضر ، خود را طایفه ی برتر می دانند .

کلید واژه : یهود ، اسلام ، شهادت امام حسین.

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات ، شماره ۲۰ ، تابستان ۱۳۹۹جلد۳، ص ۱۰۰-۷۰
http://www.jrse.ir

مقدمه :

بخش عمده ای از تاریخ قرآن به بنی اسرائیل و یهود و رویارویی آن با پیامبر پرداخته . قوم یهود که در صدر اسلام و حتی قبل از آمدن پیغمبر (صلی الله علیه و آله) ، برای ایمان به رسول خدا در سرزمین مکه سکنی گزیده بودند و با بی صبری در انتظار ظهورش بودند و با ظهور او امید فتح بر دشمنان داشتند . اما وقتی پیغمبر ظهور کرد و با قرآن کریم به سراغ ان ها آمد ، بسیاری از هدف ها و منافعشان با ظهور اسلام دچار چالش گشته بود ، به پیامبر کافر شدند ، بعضی از افکار آن ها در قرآن کریم آمده است که با شدت با این افکار مقابله می کند . با گذر زمان و به وجود آمئن واقعه ی عاشورا ، نقش یهود در حادثه ی عاشورا پر رنگ تر شد و با کمی تحلیل و بررسی در جریان شهادت امام حسین (علیه السلام) این نکته مشخص می شود که طراح اصلی نقشه ی شهادت حضرت ، معاویه بوده و یزید تنها مجری این طرح بوده و لذا مسئوولیت اصلی اجرای این جنایت بر عهده ی معاویه است . که اگر یهود بخواهد در کوفه موثر باشد باید ابتدا بر روی معاویه اثر بگذارد ، پس با طراحی برنامه ای مخفی و پنهانی در جریان عاشورا اثر بسزایی گذاشته ، و از آل امیه و جبهه ی مخالف حق ، به عنوان عناصر خود ، استفاده کند .

بررسی پیشینه تاریخی قوم یهود

۱. نسب شناسی بنی اسرائیل: نژاد سامی که منسوب به سام بن نوح۷ است، یکی از شاخه های بزرگ سفید پوست اند. شعبه ای از آنها قوم بنی اسرائیل است که در آسیا و اروپا و غیره پراکنده اند.[۱][۱]قوم بنی اسرائیل خود را به یعقوب۷ منسوب می دانند و ایشان هم به اسرائیل ملقب بوده است.[۲][۲]قوم بنی اسرائیل از فرزندان دوازده گانه ی یعقوب به وجود آمده اند.[۳][۳]

۲. هجرت بنی اسرائیل: پس از آن که حضرت ابراهیم۷ از حَران به فلسطین مهاجرت نمود[۴][۴] از سارا همسر خود صاحب فرزندی به نام اسحاق گردید، که پس از سال ها اسحاق نیز صاحب دو پسر هم زاد شد به نام های «عیسو» و «یعقوب». و امّا یعقوب از چهار همسر خود دارای دوازده پسر گردید[۵][۵] که در میان آنها یوسف به دلیل آثار کمالی که در وی مشاهده می شد مورد توجه خاص یعقوب قرار گرفت.[۶][۶] که از قضا همین یوسف نیز در پی ماجرایی طولانی به وزارت مصر نایل گردید، و از آن پس بنی اسرائیل به مصر مهاجرت کرده و در آنجا ساکن شدند.[۷][۷] امّا با شروع دوره ی امپراطوری مصر، از زمانی که «رامسس دوم» که فرعون نام داشت بر مسند حکومت تکیه زد، بنی اسرائیل در شرایط سختی قرار گرفت. و پیوسته طبق وصیت یوسف، منتظر قیام موسی بود که پیوسته ظهور او را بشارت می دادند.[۸][۸]

۳. از ولادت موسی۷ تا خروج بنی اسرائیل از مصر: «موسی بن عمران بن قهّات بن لاوی بن یعقوب» در خلال سخت ترین شرایط زندگانی قوم بنی اسرائیل در زمان رامسس دوم به دنیا آمد.[۹][۹] و طی جریانی در دربار فرعون به حد بلوغ رسید، و پس از آن به مدین رفت و در آنجا با یکی از دختران شعیب نبی ازدواج کرد.[۱۰][۱۰] او بعد چندین سال اقامت در مدین در مسیر مراجعت به مصر به پیامبری مبعوث شد.[۱۱][۱۱] موسی۷ در زمان حکومت مرنپتاح (فرزند رامسس دوم) به دربار وی رفت و فرعون را به دین خدا دعوت کرد، و دیگر این که از فرعون درخواست کرد تا بنی اسرائیل را به همراه خود به کنعان سرزمین اجدادشان ببرد. امّآ مرنپتاح سرباز زد[۱۲][۱۲] و در نتیجه، بنی

---

[۱] . ابن بابویه، محمدبن علی بن حسین، علل الشرایع، قم، انتشارات داوری،

۲. . احمدی، حمید، ریشه های بحران در خاورمیانه، تهران، مؤسسه کیهان، ۱۳۶۹

[۳] ازغندی، علیرضا، روابط خارجی ایران «دولت دست نشانده»۱۳۵۷-۱۳۲۰، تهران، نشر دانش، ۱۳۷۶

[۴] ایوانف، یوری، صهیونیسم، ترجمه ی ابراهیم یونسی، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۵۶

[۵] جدید بناب، علی، تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵

[۶] جدیدبناب، علی، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ چاپ سوم، ۱۳۸۶.

[۷] خاتمی، محمد، فراماسونری(پیرامون سازمان مخفی فراماسونری در ایران و جهان)، تهران، کتاب صبح، ۱۳۷۵.

[۸] . درینیک، ژان پی یر، خاورمیانه در قرن بیستم، ترجمه ی فرنگیس اردلان، تهران، نشر جاویدان، ۱۳۶۸

[۹] . رضوی، مهدی، نیرنگ سازی صهیونیسم، [بی جا]، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.

[۱۰] روزنامه کیهان، ۱۳۸۰/۷/۱۵ و ۱۳۸۰/۸/۲۰.

[۱۱] سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت(تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم(ص))، قم، بوستان کتاب ۱۳۸۲

[۱۲] سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق(ع)، چاپ اول، ۱۳۷۵، ج۶.

اسرائیل شب هنگام، به همراه «منجی قوم بنی اسرائیل» به همان نحوی که خداوند فرموده بود از مصر به سوی سرزمین موعود راهی شدند.[۱۳][۱۳]

۴. سرگذشت بنی اسرائیل تا وفات موسی(ع): بنی اسرائیل بعد از آن که از دریای سرخ عبور کردند، در نزدیکی کوه سینا اقامت گزیدند.[۱۴][۱۴] و بعد از نزدیک یک سال نقل مکان کرده و به سمت کنعان، سرزمین موعود حرکت کردند. ولی قوم، چون از نیرومندی ساکنین فلسطین اطلاع یافتند، ترسیدند. لذا از دستور موسی سرپیچی کردند و از ورود به سرزمین موعود، امتناع ورزیدند. نتیجه ی این سستی و تخلّف باعث آن شد، تا خداوند سرزمین موعود را برای این نسل از بنی اسرائیل ممنوع کند و آنها را به مدت چهل سال در اطراف فلسطین به سرگردانی دچار ساخت، سرانجام بعد از این چهل سال موسی۷ در سن ۱۲۰ سالگی دار فانی را وداع گفت.[۱۵][۱۵]

۵. ورود بنی اسرائیل به کنعان تا وفات یوشع نبی(ع): در مدت چهل سال، به جز عدّه ی قلیلی از مؤمنین جدید با ایمانی راسخ پرورش یافت.[۱۶][۱۶] با وفات حضرت موسی جانشین وی «یوشع بن نون» رهبری قوم را به عهده گرفت و برای تدارک یک جنگ بزرگ برنامه ریزی های لازم را انجام داد. بنی اسرائیل از رود اردن عبور کردند و موفق شدند تمامی شهرهایی را که دارای قلعه های نظامی مستحکم نبوده اند، را به تصرف خود در آورند ولی سرزمین کنعان به طور کامل به تصرف آنها در نیامده و سرانجام یوشع در سن صد و ده سالگی به دیار معشوق شتافت.[۱۷][۱۷]

۶. حکومت داوران: بعد از وفات یوشع نبی۷ رهبری بنی اسرائیل به دست کسانی افتاد که آنها را «شوفت»، قاضی یا داور می گفتند.[۱۸][۱۸] اسباط بنی اسرائیل بعد از وفات یوشع فاقد تشکیلات سیاسی- نظامی بودند و مدام از گوشه و کنار فلسطین مورد حمله قرار می گرفتند.[۱۹][۱۹]سرانجام بنی اسرائیل دریافتند که با تشتت نمی توانند با امنیت در فلسطین زندگی کنند، لذا همگی از سموئیل(مشهورترین و آخرین قاضی بنی اسرائیل) خواستند که برای آنان پادشاهی برگزیدند. سموئیل نیز از جانب خداوند شخصی به نام «شائول» که نام وی در قرآن به «طالوت» مسمّی است را برای سلطنت بنی اسرائیل برگزید.[۲۰][۲۰]

۷. حکومت حضرت داوود و سلیمان(ع): پس از مرگ شائول، سموئیل کهنسال از طرف خداوند مأموریت یافت تا شخصی به نام «داوود» فرزند یسّی را به پیامبری قوم منصوب نماید.[۲۱][۲۱]داوود بعد از آن که زمام سلطنت بنی اسرائیل را به دست گرفت، شهر اورشلیم را به عنوان پایتخت برگزید. وی در همان اوایل سلطنت خود اقدام به تشکیل سپاه دایمی نمود و به برقراری آرامش داخلی و خارجی پرداخت.[۲۲][۲۲] حضرت سلیمان نیز پس از وفات پدربزرگوارش، خلافت را به عهده گرفت. در دوران حکومت وی جنگی به وقوع نپیوست، بلکه با همسایگان خود پیمان صلح و عدم تعرض امضا کرد. او در سال چهارم سلطنت خود اقدام به ساختن معبدی برای بنی اسرائیل نمود.[۲۳][۲۳]

۸. دوره ی انحطاط بنی اسرائیل: بعد از وفات سلیمان، فرزندش «رحبعام» که شخصی بی کفایت بود به سلطنت بنی اسرائیل رسید و موجبات نارضایتی بنی اسرائیل را فراهم ساخت. در نتیجه ده سبط شمال با هم متحد و به رهبری شخصی با نام «یربعام» در شمال فلسطین دولت مستقلی به نام اسرائیل را تشکیل دادند. و تنها دو سبط یهودا و بنیامین بر رحبعام وفادار ماندند و حکومت خود را یهودا

---

[۱۳] سروش نژاد، احمد، صهیونیسم: نوزایی- استقرار- فروپاشی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵

[۱۴] شاهمرادی، علی، تاریخ یهود(از آغاز تا تجزیه ی امپراطوری سلیمان(ع))، زنجان، نیکان کتاب، ۱۳۸۳.

[۱۵] شیرودی، مرتضی، فلسطین و صهیونیسم، تهیه کننده: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، [بی جا]، نشر مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۱.

[۱۶] . صلح میرزایی، سعید، فلسطین از منظر حضرت آیت الله العظمی سیّدعلی خامنه ای(مدظلّه العالی)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.

[۱۷] . فصل نامه ی مصباح، شماره ۹، بهار ۱۳۷۳، مقاله ی ایران خطری برای اسرائیل، نوشته ی اصغر کیوان حسینی.

[۱۸] کیّالی، عبدالوهاب، تاریخ نوین فلسطین، ترجمه محمد جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶

[۱۹] المسیری، عبدالوهاب، صهیونیسم، ترجمه ی لواء رودباری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴.

[۲۱] . مددی، حجت الله، داعیه داران دین(بررسی تحلیلی تاریخ دین یهود)، قم، نقش، ۱۳۸۶

[۲۲] مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، [بی جا]، نشر مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ج۱

[۲۳] مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران، البرز، ۱۳۶۰

نام گذاری کردند و سرانجام به دلیل تشتت و ضعف و فساد و تفرقه ی خویش یکی پس از دیگری از جانب آشوریان و بابلیان به نکال اسارت و تبعید و سرگردانی محکوم شدند.[۲۴][۲۴]

۹. یهود در قرون وسطی: اوضاع و احوال یهود در آغاز قرون وسطی تحت تأثیر دو مذهب نوین، یکی مسیحی و دیگری اسلام دگرگون شد. اولی با یهود دشمن خونی بود، امّا مسلمانان در آغاز با یهود به نیکی رفتار کردند و در فلسطین و شام و عراق با آنها طریق مسالمت آمیزی پیش گرفتند. یهود از آنجا که مناسک و آداب مذهبی خود را در خفی انجام می دادند، حس بدگمانی عوام را تحریک می کردند، مبنی بر این که آنان اعمالی بر علیه جان و مال مردم انجام می دهند. لذا همه به خصومت با یهود برخاستند و آنها را طعمه ی هلاک ساختند. در نتیجه یهود به هر طرف پراکنده شدند.[۲۵][۲۵]

۱۰. یهود در عصر جدید و پس از آغاز جنبش صهیونیست: در اروپای غربی و مرکزی در طول مدت دو قرن ۱۸ و ۱۹ وضع اجتماعی یهود با حرکتی بسیار کند، به تدریج به سوی آزادی می رفت و کم کم افراد برجسته ی یهود در مراکز فرهنگی نفوذ می کردند.[۲۶]سرانجام پس از آن که با ظهور تئودور هرتصل و آغاز جنبش صهیونیست، لزوم ایجاد موطنی برای یهودیان، مورد تأیید سیاستمداران صهیونیست قرار گرفت مهاجرت یهودیان به فلسطین آغاز شد که این مهاجرت سال ۱۸۸۲م. آغاز شد و تاکنون نیز ادامه دارد.[۲۷]

تقابل سیاسی یهود و اسلام در عصر

۱. هجرت یهودیان به دجزیره العرب

جزیره العرب: درباره ی علل مهاجرت یهود به جزیره العرب نظرات گوناگونی وجود دارد از جمله: حمله ی بخت النصر به فلسطین که منجر به آوارگی یهودیان از فلسطین و هجرت به جزیره العرب گردید.[۲۸]

- از مهمترین مراکز یهود در جزیره العرب می توان از خبیر، فدک، تیماء و وادی القری در شمال مدینه و نقاط جنوبی بخصوص یمن نام برد.[۲۹] یهود زندگی همسانی با زندگی همسایگان عرب خود داشتند، تمدن آنها اندک بود و بدویت بر آنها غلبه داشت.[۳۰]

۲. پیامبر(ص) و یهود در آغاز هجرت: رسول خدا۶ وقتی وارد مدینه شد با چند مشکل اساسی مواجه بود، از جمله یهودیان مدینه و اطراف آن.[۳۱] که برای حل این مشکل پیامبر(ص)، پیمانی امنیتی- دفاعی با یهودیان بست، البته در دو مرحله: الف) یهودیان داخل مدینه که در دو قبیله ی اوس و خزرج متفرق بودند. ب) یهودیان قبایل معروف «بنی قینقاع»، «بنی نضیر» و «بنی قریظه»، مبنی بر این که آنان را بر دین و اموالشان تثبیت کرد و به سود و زیان آنان شرایطی مقرر فرمود.[۳۲]

۳. قلمروهای کارشکنی یهود: قوم یهود که پی بردند با پیروی از آیین پیامبراسلام نمی توانند به مطامع دنیوی خویش نائل شوند، علیرغم پیمانی که با وی بسته بودند و علیرغم یافتن نشانه های پیامبر(ص)در تورات با حضرتش به مخالفت برخاستند.که قلمروهای کارشکنی آنان ازقرار زیر است.

۳-۱ کارشکنی های سیاسی- نظامی: ویژگی هایی چون مال پرستی و ترس به خطر افتادن منافع مادی نوعی کمبود شجاعت در یهودیان ایجاد کرد که باعث شد برای جبران آن دست به خیانت زدند[۳۳][۲۶] و برای ضربه زدن به مکتب نوپای اسلام دست به اعمالی زدند از قبیل: جاسوسی علیه مسلمین، جلوگیری از اتحاد و همبستگی با استفاده از اصل کارساز و مشهور «تفرقه بینداز و حکومت کن».[۳۴]و از همه مهمتر ایجاد ناامنی، از طریق ایجاد فتنه. از جمله فتنه های ایجاد شده توسط یهودیان در روزهای سخت اوایل هجرت می توان از فتنه های قبایل معروف بنی قینقاع، بنی نضیر، بنی قریظه و خیبر نام برد،[۳۵] که بعضی از آنها بدون درگیری سرکوب شدند و بعضی پس از دیگری، که البته پیامبر(ص) با همه ی آنان طبق مفاد پیمان نامه ای که با آنان بسته بود رفتار کردند. و عده ای را تبعید و عده ای را نیز اعدام کردند.[۳۶]

۳-۲ کارشکنی های فرهنگی: فرهنگ زدایی از حربه های اساسی معاندین اسلام از صدر اسلام بوده است. یهود مدینه فعالیت های زیادی در این زمینه انجام داده است. یکی از آنها ایجاد شبهات فکری و عقیدتی در مسلمانان بود تا مانع پیشرفت اسلام شوند،[۳۷] شبهاتی مثل نسبت فقر به خداوند متعال.[۳۸] یکی دیگر از فعالیت های فرهنگی آنان، حربه های فرهنگی بود که جهت اسلام زدایی، به

---

[۲۴] . ناس، جان بایر، تاریخ جامع ادیان، مترجم علی اصغر حکمت، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.

[۲۵] نجفی، محمّدباقر، بهائیان، تهران، کتابخانه ی طهوری، ۱۳۵۷.

کار می بستند. مثل: تلاش برای ارتداد مسلمین،[۳۹] خیانت علمای یهود و کتمان حقایق موجود در تورات پیرامون دین اسلام،[۴۰] توبیخ یهودیانی که مسلمان شده بودند و ... .[۴۱]

۳-۳ کارشکنی های اعتقادی: از دیگر حوزه های کارشکنی یهود عصر پیامبر(ص) حوزه اعتقادی بود. آنها در این زمینه با وجود علم به آن چه پیامبران قبل آورده بودند خیلی از معتقدات خود حتی مسائل ضروری دین همچون توحید و نبوت و معاد را خدشه دار کردند و چه بسا انکار می کردند تا بدین طریق بر اهداف دنیوی خود دسترسی داشته باشند.[۴۲]

۳-۴ کارشکنی های اقتصادی: یهود در حوزه اقتصادی نیز همچون حوزه های دیگر کارشکنی هایی کرده است که باعث کندی روند رو به رشد دین نوپای اسلام شده است؛ از جمله این که یهود از دادن قرض های خود و اموالی که از مسلمین خریده و امانت هایی که به آنها سپرده بودند خودداری می کردند، به بهانه این که اسلام آوردن شما باعث ابطال این حقوق شد.[۴۳] و دیگر این که به نزد مسلمین می رفتند و به بهانه دلسوزی آنان را از کمک به فقرای مسلمین باز می داشتند.[۴۴]

۴. علل کارشکنی یهود: بررسی عوامل کارشکنی یهود در مقابل دعوت رسول مکرم اسلام۶، چهره واقعی یهود را برای انسان تبیین خواهد کرد. که از جمله آن علل موارد زیر می باشد: آلودگی به رذایل نفسانی همچون دنیاطلبی و جاه طلبی،[۴۵] حسادت[۴۶] و ... . و همچنین عامل دیگر می توان گفت، فقدان ایمان واقعی به جهان آخرت و لذا تمام تلاش خود را جهت تحصیل جهان مادی به کار می برند.[۴۷]

۵. چگونگی مواجهه ی پیامبر(ص) با کارشکنی های یهود: پیامبراکرم(ص) تمام راه های مسالمت آمیز همچون: انعقاد پیمان نامه، دعوت به حق و فطرت، مدارا با یهود و محترم شمردن حقوق آنها، بحث و مناظره، تحدّی، هشدار یا اتمام حجت را نشبت به یهود امتحان نمود؛ امّا آنان هر روز بر تعاند و دشمنی شان به اسلام افزوده می شد، از این رو ایشای فرمان جهاد را صادر نمود و بر طبق پیمانی که با آنان بسته بود، مجازاتشان نمود.[۴۸]

ویژگی های بارز یهودیان

۱. حسد و آزمندی

دانش هائی که یهود در صحرای سینا از حضرت موسی اموخته بود در منطقه قدس با تجربه علمی همراه گردید و قدرت یهود در راه خواهش های نفسانی قرار گرفت ,انان گرفتارازمندی شدیدی به زندگی دنیا شده بودند :

أَمْ یحْسدُونَ النَّاس عَلی مَا ءَاتَاتُمُ اللَّهُ مِن فَضلِهِ فَقَدْ ءَاتَیْنَا ءَالَ إِبْرَهِیمَ الْکتَب وَ الحْکْمَةَ وَ ءَاتَیْنَهُم مُّلْکاً عَظِیما (۴۹)

" یهودیان به مؤمنین اظهار مودت و خیر خواهی می‌کرده‌اند ، و از این راه آنان را فریب می‌داده‌اند ، مثلا به بخل و خود داری از انفاق وادار می‌کردند ، تا از این راه نگذارند زحمات مؤمنین به نتیجه برسد ، و قدمی به سوی تقدم و تعالی بردارند ، این آن چیزی است که از ظاهر آیه بر می‌آید ، و لازمه این که در شان یهود و دوستان و هم رازهای یهود نازل شده باشد ، نیز همین معنا است چون ثمره دوستی و سر و سر داشتن با یهود همین بود که به وسیله تحریفات یهود از راه منحرف شوند ، و هر جا که آنها بروند ، آنان نیز بروند . آنها بخل بورزند ، و اینان را نیز وادار به بخل کنند ." (۵۰)

۲. نژاد پرستی

اعتقاد به این که یهود قوم برگزیده خداونددر روی زمین هست یک مقوله اساسی در در آئین یهود است

یَا بَنی إِسرءِیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتی أَنْعَمْت عَلَیْکمْ وَ أَنی فَضلْتُکُمْ عَلی الْعَلَمِینَ (۵۱)

ای پسران اسرائیل نعمت مرا که به شما ارزانی داشتم و شما را بر مردم زمانه برتری دادم بیاد آرید.

۳. کتمان حقیقت وتحریف

إِنَّ الَّذِینَ یَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ أَیْمانِهِمْ ثَمَناً قَلِیلًا ... (۵۲)

محققا کسانی که عهد خدا و سوگندهای خود را می‌دهند و در مقابل متاع قلیل دنیا را می‌خرند در آخرت بهره‌ای ندارند و خدا در قیامت با آنان سخن نمی‌گوید و به نظر رحمت نمی‌نگرد و پاکشان ننموده، در عوض عذابی دردناک دارند .

رؤسای یهود، صفاتی که در توراۀ در شأن محمد صلی الله علیه و آله آمده بود و خداوند از ایشان عهد و پیمان گرفته بود که آن صفات را بیان کنند، کتمان کردند و آنها را مبدل ساختند و با دست خود صفات دیگری را نوشتند و سوگند یاد کردند که این صفات تحریف نشده و صفاتی است که خداوند بیان کرده است، تا رشوت و خواربار و خوردنی آنان بوسیله پیروانشان تأمین شود و قطع نگردد.

یحَرِّفُونَ الْکلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ (۵۳)

" یهود آیات کلام خدا را جابجا و تحریف کردند ، و آن را به غیر آن معنائی که خدای تعالی اراده کرده بود تفسیر نمودند"(۵۴)

۴. کشتن انبیاء

کانُوا یَکْفُرُونَ بِئَایَتِ اللَّهِ وَ یَقْتُلُونَ النَّبِیِّینَ بِغَیرِ الْحَقّ ذَلِک بمَا عَصوا وَّ کانُوا یَعْتَدُونَ (۵۵)

آیه‌های خدا را انکار همی کردند و پیامبران را بناروا همی کشتند زیرا نافرمان شده بودند و تعدی همی کردند

لأَرْسلْنَا إِلَیهِمْ رُسلاً کلَّمَا جَاءَهُمْ رَسولُ بِمَا لا تَهْوَی أَنفُسهُمْ فَرِیقاً کذَّبُوا وَ فَرِیقاً یَقْتُلُونَ (۵۶)

خداوند برای اصلاح این گروه پیامبرانی می فرستاد , هر وقت پیغمبری حکمی که مخالف با هوای نفسشان بود بر ایشان آورد عده‌ای را تکذیب و عده‌ای را به قتل رسانیدند.

"انبیائی که به سوی این قوم آمدند دو دسته شان کردند : یکی آنانکه دعوی نبوتشان را تکذیب کردند، و دیگر آنان که بدست مردم کشته شدند . در گذشته انبیا را تکذیب کردند و کشتند ، و در آینده هم اگر به پیغمبری دست پیدا کنند او را تکذیب خواهند کرد و خواهند کشت " (۵۷)

یهودیان ، پیغمبران را با علم به اینکه پیغمبرند کشتند ، پس کشتنشان به غیر حق بود.

۵. کفر بعد از ایمان

إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا بَعْدَ إِیمانِهِمْ ثُمَّ ازْدادُوا کُفْراً لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ ... (۵۸)

کسانی که بعد از ایمان آوردن کافر شدند و سپس کفر خود را زیاد کردند توبه آنان قبول نمی‌شود

"ابو عالیۀ گوید: این آیه در باره یهود و مسیحیانی نازل شد که به محمد صلی الله علیه و آله کافر شدند. بعد از آن که به صفت و نعت ایشان ایمان آورده بودند، پس بجهت پایداری در کفر، به کفر خود افزودند." (۵۹)

۶. بخل ورزی

الَّذِینَ یَبْخَلُونَ وَ یَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ یَکْتُمُونَ ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ... (۶۰)

کسانی که بخل می‌کنند و مردم را به خست امر می‌نمایند و آن چه را که خداوند از فضل و کرم خود به آنان داده است، پنهان می‌دارند

..."ابن عباس و ابن زید گویند: این آیه در باره جماعتی از یهود نازل شده است. آنان نزد انصار می‌آمدند و با ایشان نشست و برخاست می‌کردند و آنان را اندرز می‌دادند و به آنان می‌گفتند: اموال خود را انفاق مکنید، زیرا ما بیم داریم که مبادا شما فقیر و تهیدست شوید . " (۶۱)

۷. اکل مال بالباطل

إِنَّ کَثِیراً مِنَ الْأَحْبارِ وَ الرُّهْبانِ لَیَأْکُلُونَ أَمْوالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ وَ یَصُدُّونَ عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ ... (۶۲)

همانا بسیاری ازعلم

اء یهود و نصاری مال مردم را از راه باطل می‌خورند و آنان را از راه اللّه باز می‌دارند

"این آیه در باره دانشمندان و تلاوت کنندگان اهل کتاب نازل شده است، زیرا آنان از فرومایگان خود رشوه می‌گرفتند و بیسوادان آنان هزینه زندگانی ایشان را تأمین می‌کردند. " (۶۳)

۸. ربا خواری

َ أَخْذِهِمُ الرِّبْوا وَ قَدْ نهُوا عَنْهُ وَ أَکلِهِمْ أَمْوَلَ النَّاسِ بِالْبَطِلِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْکَفِرِینَ مِنهُمْ عَذَاباً أَلِیماً (۶۴)

یهودیان ربا می‌گرفتند با اینکه از آن نهی شده بودند و اموال مردم را به ناحق می‌خوردند و ما برای کفر پیشگان از آنان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم

۹. اعتقاد به فقیر بودن خداوند

قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَ نحْنُ أَغْنِيَاءُ سنَكْتُب مَا قَالُوا وَ قَتْلَهُمُ الأَنبِيَاءَ بِغَيرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ ذُوقُوا عَذَاب الْحَرِيقِ (۶۵)

" یهودیان گفته بودند خدا فقیر است و ما همه اغنیائیم ..... و اگر خدای تعالی در این آیه شریفه سخن نامبرده یهود را در ردیف پیغمبرکشی آنان قرار داد ، برای این بود که بفهماند آن سخن دست کمی از پیغمبر کشی نداشت ، بلکه سخن عظیم و توهین بزرگی به ساحت مقدس خدا بود." (۶۶)

۱۰. تمایل به بت پرستی

جَوَزْنَا بِبَنى إِسرءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلى أَصنَامٍ لَّهُمْ قَالُوا يَمُوسى اجْعَل لَّنَا إِلَهاً كَمَا لهُمْ ءَالِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تجْهَلُونَ (۶۷)

وبنی اسرائیل را ازدریا گذراندیم و بر قومی گذشتند که بت‌های خویش را پرستش می‌کردند ، گفتند ای موسی برای ما نیز خدایی بساز ، چنانکه ایشان خدایانی دارند ، گفت شما گروهی جهالت پیشه‌اید .

سی سال تلاش موسی برای خداپرستی این قوم که مردمی مادی و حسی بوده‌اند فایده ای نداشته است و" هر چه موسی علیه السلام ایشان را به معارف دینی و به حق نزدیک می‌کرد نتیجه‌اش تنها این می‌شد که صورت و شکل خدا را در ذهن خود تغییر دهند" (۶۸)

انان از موسی خدای دیدنی تقاضا می کنند وآرزو می کردند که آنان نیز چنین بت‌هایی می‌داشتند .

۱۱. انحرافات اعتقادی

خداوند موسی را برای نزول کتاب اسمانی آنهم به خواسته بنی اسرائیل به کور طور فرا خواند و مردم در انتظار بازگشت پیامبرشان بودند . چهل شب گذشت و موسی بازنگشت و خواص قوم یهود از این مدت استفاده کردند. سامری ظهور کرد

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلاً جَسداً لَّهُ خُوَارٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكمْ وَ إِلَهُ مُوسى فَنَسىَ (۶۹)

و برای آنها مجسمه گوساله‌ای را ساخت که صدای گوساله داشت گفت : این خدای شما و خدای موسی است ، و ایمان را رها کرد. خدای تعالی او را در هنگام مراجعتش از گمراهی و گوساله‌پرستی قومش خبر داده بود

ولَمَّا رَجَعَ مُوسى إِلى قَوْمِهِ غَضبَنَ أَسِفاً قَالَ بِئْسمَا خَلَفْتُمُونى مِن بَعْدِى أَ عَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَ أَلْقَى الأَلْوَاحَ وَ أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ استَضعَفُونى وَ كادُوا يَقْتُلُونَنى فَلا تُشمِت بىَ الأَعْدَاءَ وَ لا تجْعَلْنى مَعَ الْقَوْمِ الظلِمِينَ (۷۰)

چون موسی خشمناک و اندوهگین به سوی قوم بازگشت ، گفت : پس از من چه بد نیابت کردید چرا از فرمان پروردگارتان پیشتر رفتید ، و لوحها را بینداخت ، و سر برادر خویش گرفته بخود می‌کشید که گفت : پسر مادرم این گروه زبونم داشتند و نزدیک بود مرا بکشند شادمانی دشمنان بر من نپسند و مرا با گروه ستمکاران همسنگ مگیر .

تمام تلاش های حضرت برای هدایت این قوم بر باد رفته بود.

۱۲. سر پیچی از فرمان الهی

يَقَوْمِ ادْخُلُوا الأَرْض الْمُقَدَّسةَ الَّتى كَتَب اللَّهُ لَكُمْ وَ لا تَرْتَدُّوا عَلى أَدْبَارِكمْ فَتَنقَلِبُوا خَسِرِينَ(۷۱)

ای قوم بنی اسرائیل به این سرزمین مقدس که خدا برایتان مقدر کرده درآئید و از دین خود بر نگردید که اگر بر گردید به خسران افتاده‌اید

و آنان در جواب حضرت گفتند:

قَالُوا يَمُوسى إِنَّ فِيهَا قَوْماً جَبَّارِينَ وَ إِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتى يخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يخْرُجُوا مِنهَا فَإِنَّا دَخِلُونَ (۷۲)

بنی اسرائیل گفتند : ای موسی در آنجا مردمی نیرومند و دارای سطوت هست ، و ما هرگز بدانجا در نیائیم مگر بعد از آنکه آن مردم از آنجا خارج شوند ، اگر خارج شدند البته ما داخل خواهیم شد .

در برابر موسی جبهه گیری نموده ، بطور صریح دعوتش را رد کردند ، و خدای تعالی در کیفر این گناهشان به عذاب تیه و سرگردانی که خود عذابی شدید و طاقت فرسا بود گرفتار نمود .

همه تلاش های حضرت برای نجات این قوم ناکام ماند و بنی اسرائیل با اینکه این همه مورد لطف الهی واقع شده بودند, به موسی ایمان نیاورده بودند! و موسی اخرین راه رادر حق آنان به کار بست و فرمود:

قَالَ رَب إِنى لا أَمْلِك إِلا نَفْسى وَ أَخِى فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَ بَينَ الْقَوْمِ الْفَسِقِين (۷۳)

موسی عرضه داشت : پروردگارا من

اختیار جز خودم و برادرم را ندارم و نمی‌توانم این قوم را به اطاعت فرمان تو مجبور سازم پس بین من و بین این مردم عصیانگر جدائی بینداز.

نفوذ یهود به عربستان

سکونت قبائل یهود درعربستان , قبل از ظهور اسلام وبه ایام بخت نصربرمی گردد." هنگام حمله پادشاه آشور، بخت‌النصر (نبوکد نصر) به فلسطین، یهود از آشور و دیارخود بیرون رانده شدند، عده‌ای از آن‌ها به جزیرةالعرب رفتند و در آن‌جا مسکن‌گزیدند" (۷۴) که برخی مناطق یهودی نشین پدید آمده بود که از همه مهم تر یثرب بود.

"یهود کوچ کرده به حجاز در نواحی: خیبر، وادی القری، تیماء، یثرب، به صورت عشایری چون قبایل: بنی‌نضیر، بنی‌قریظه، بنی‌قینقاع، بنی بهدل که بعداً قبایل اوس و خزرج هم به آنها ملحق شدند به سر می‌بردند. (۷۵)

اوس و خررج بت پرست بودند و در اثر مجاورت با یهودیان , برخی از آنان به آئین یهود پیوسته بودند , اما شاید مهمترین علت نفوذ یهود به عربستان , انتظار منجی موعود بود , "یهودیان در کتابهایشان یافته بودند که مکان هجرت محمّد ۹ پیامبر خدا ما بین- عیر- و أحد- است از اینرو در جستجوی آن مکان بیرون آمدند بکوهی برخورد کردند که بآن- حداد- گفته میشد پس گفتند: حداد و أحد یکی است از این جهت در نزدیکی آن کوه پراکنده شدند بعضی از آنان- تیما- را اختیار و برخی- فدک- را انتخاب و عده‌ای- خیبر- را برگزیدند " (۷۶)

از اینرو"محققان یکی از علل مهاجرت قوم یهود، به سرزمین حجاز را انتظار منجی موعود و پیامبری که عهدین به آن اشاره کرده است می‌دانند". (۷۷)

یهودیان در هر نقطه ای از عربستان که سکونت می گزیدند" به کشاورزی مشهور بودند، همچنانکه در یثرب و اطراف آن به صنعتهائی مانند آهنگری، ریخته‌گری و اسلحه‌سازی و مانند آن مشهور بودند، صنعتهائی که بهره‌کشی از امکانات اقتصادی بومیان و گسترش نفوذشان را در هر جا که بار افکنند و ساکن شوند بر ایشان آسان سازد" (۷۸)

"منابع مالی و مرغوبترین اراضی زراعی یثرب عمدتا در تسلط یهودیان به عنوان نخستین ساکنان این سرزمین پس از عمالیق قرار داشت ". (۷۹)

گاه و بی گاه که بین اعراب و یهودیان مشاجره ای رخ می داد, یهودیان خود را ÷یرو ائین توحیدی می‌خواندند و اعراب را تهدید می کردند, از اینرو وقتی یودیان با دو قبیله اوس و خزرج درگیر می شدند , می گفتند :"به زودی با پیروی از پیامبر که ظهور خواهد کرد، شما را مثل قوم عاد و ارم از بین خواهیم برد". (۸۰)

یهودیان مردم عرب را- سخت- تحقیر می‌کردند؛ و آنان را وحشی و ساده لوح، پس افتاده و جا مانده می‌خواندند. اموال و زندگی مردم عرب را برای خود جایز می‌دانستند و به هر نحوی از آن سوء استفاده می‌کردند:

«... قالُوا لَیْسَ عَلَیْنا فِی الْأُمِّیِّینَ سَبِیلٌ ... (۸۱)

[... می‌گفتند: قوم بی کتاب [عرب] بر ما حقی و حکمی ندارند

چون یهودیان سطح فرهنگ بالاتری داشتند , بت پرستها به دیده احترام به آنها می نگریستند , سخن آنها را در این زمینه باور کرده بودندو موضوع کاملا در ذهن انها برای ظهور پیامبر اسلام در میان مردم یثرب آماده بود و زمانی که با پیامبر اسلام روبه رو می شدند و نبی اکرم انهارا به اسلام دعوت می کرد با آن سابقه ذهنی , دعوت او را می پذیرفتند زمانی که نبی اعظم " شش تن از اوس را در عقبه دید و ایشان را به اسلام فرا خواند و از ایشان خواست تا او را یاری کنند و ایشان او را شناختند و گفتند: این همان پیغمبری است که یهود ما را از آن هراس می‌دهند و می‌خواهند ما را بکشند به مانند کشته شدن عاد و ارم. پس ایمان آوردند و او را تصدیق کردند" (۴۴)

یهود پیش از بعثت پیامبر، اعتقاد به ظهور پیامبر عربی داشت و می‌گفت: «ما به او ایمان خواهیم آورد زیرا شالوده‌ی آئین ما با آئین پیامبر عربی یکی است.» تا جایی که ابن هشام می‌گوید: «رجال یهود، جامعه‌ی عرب بت‌پرست را با نزدیک شدن ظهور پیامبر عربی، تهدید به ویرانی می‌کردند و...» که همین عوامل سبب شد در زمان پیامبرصلی الله علیه و آله، گروهی بر اثر تبلیغات قبلی یهود، اسلام آوردند. (۸۲)

یهود و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله

مگر آن کسان (یهود) را که از کتاب آسمانی بهره‌ای داده شدند نمی‌بینی ، که چگونه گمراهی را می‌خرند (۸۳)

دروان آغازین بعثت و اطلاع علمای بنی اسرائیل از بعثت و مقابله آنان

در شناخت دشمن باید محوراصلی دشمنی ها را مد نظر داشت و سپس به سراغ حاشیه ها رفت. همواره در نگاه به تاریخ ، رویاروئی حق و باطل عبرت اموز و قابل پیگیری بوده است .

بخش عمده‌ای از تاریخ قرآن، به سرگذشت بنی اسرائیل و انحرافات یهود اختصاص پرداخته است و بیش از بقیه اقوام دیگر ازانان یاد شده است.

یهود که اطلاعات زیادی در اختیاردارد می داند که در شبه جزیره عربستان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله ظهور خواهد کرد، و بر خصوصیات او آن چنان واقف بودند ,که فرزندانشان را می شناختند.

واقدی برای ما از محمد بن صالح از عاصم از پدرش نقل می‌کند که می‌گفته‌است : یهود نام و نشان رسول خدا را در کتاب‌های خود می‌خواندند و به کودکان خود آموزش می‌دادند که نام و صفات او چیست و محل هجرت او پیش ماست.(۸۴)

اَلَّذینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یَعْرِفُونَهُ کَما یَعْرِفُونَ اَبْناءَهُمْ (۸۵)

کسانی که به ایشان کتاب (آسمانی) داده ایم، همان گونه که پسران خود را می شناسند، او (ـ محمد) را می شناسند.

یهودیان پیش از بعثت رسول خدا مدعی هستند که به مدد پیامبری که به زودی مبعوث خواهد شد بر قبائل اوس و خزرج پیروز خواهند شد اما وقتی خداوند پیامبر خویش را از میان عرب بر می‌گزیند به سوی او کافر می‌شوند. (۸۶)

یهودیان در باره اسلام و اهداف و اورنده این ائین الهی اطلاعات کاملی در اختیار داشتند . بنابراین واضح است که به مقابله بپردازند و در صدد نابودی آخرین پیام اور الهی باشند .

استاد شهید، مرتضی مطهری می فرماید: "در قرآن کریم کلمه تحریف به کار رفته است؛ مخصوصاً در مورد یهودی ها که این ها قهرمان تحریف در جهان اند؛ نه امروز، از وقتی که تاریخ یهودیت در دنیا به وجود آمده است. نمی دانم این نژاد چه نژادی است که تمایل عجیبی به قلب حقایق و تحریف کردن دارد و لهذا همیشه کارهایی را در اختیار می گیرند که در آن کارها بشود حقایق را تحریف و قلب کرد... قرآن چه عجیب درباره این ها حرف می زند. این خصیصه یهودی گری که تحریف است، در قرآن به صورت یک خصیصه نژادی شناخته شده است."

إِنَّ الَّذینَ یَکْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ الْکِتَبِ وَ یَشترُونَ بِهِ ثمَناً قَلِیلاً أُولَئک مَا یَأْکلُونَ فی بُطونِهِمْ إِلا النَّارَ وَ لا یُکلِّمُهُمُ اللَّهُ یَوْمَ الْقِیَمَةِ وَ لا یُزَکیهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلیم (۸۷)

کسانی که کتمان می‌کنند آنچه را خدا از کتاب نازل کرده ، و آنرا به بهای کمی می‌فروشند ، آنها جز آتش چیزی نمی‌خورند (و هدایا و اموالی که از این رهگذر به دست می‌آورند در حقیقت آتش سوزانی است) و خداوند روز قیامت با آنها سخن نمی‌گوید ، و آنها را پاکیزه نمی‌کند ، و برای آنها عذاب دردناکی است .

تحریف در چگونگی آغاز بعثت

از عمر محمد صلی الله علیه و آله چهل سال می گذرد که رسالت به او ابلاغ می گردد , دروغ های زیادی در این باره نقل شده است :

محمد صلی الله علیه و آله در غار حرا بود که جبرئیل بر او نازل شد و گفت :"السّلام بر تو ای محمّد، ای پیغامبر خدای. پیغامبر بترسید و بر پای خاست و پنداشت که دیوانه شد، و بر سر کوه آمد تا خویشتن را فرو افکند و خود را بکشد.

و جبریل او را به میان کوه به پر اندر گرفت که با پیش نتوانست شدن و نه باز پس آمدن، و او را گفت: مترس که تو پیغمبر خدایی و من جبریلم فریشته خدای. پیغامبر صلی الله علیه و آله در آن میانه اندر آشفته بماند." (۸۸)

بعد از آن گفت: " بخوان! گفتم: خواننده نیستم. باز مرا به خود ضم کرد و محکمتر از اوّل بیفشرد تا سه نوبت، پس نوبت چهارم گفت: بخوان! گفتم: چه خوانم؟ گفت: اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ. .....آن حضرت ترسان با خاطری به غایت پریشان به خانه آمد و دل در بدنش می‌طپید به نوعی که خدیجه می‌شنید و گوشت شانه و گردن او می‌لرزید به نوعی که مردم می‌دیدند. آن حضرت به جای خواب آمد و تکیه زد و فرمود که: زمّلونی! زمّلونی! .....

و چون در آن زمان ورقهٔ بن نوفل اعلم زمان بود، خدیجه خاتون بعد از رخصت به خدمت [این] عم خود ورقه آمد که به علم کهانت مهارت تمام داشت و گفت: ای [ابن] عم! چه شود که مرا از غم برهانی و خبر دهی ؟ خدیجه صورت واقعه آن حضرت را باز نمود. ورقه از استماع قول خدیجه به غایت خوشحال شد و از غایت شوق و ذوق فغان برداشت و گفت:

برو کاخر محمد سروری یافت چو عیسی رتبه پیغمبری یافت

ای خدیجه! بشارت باد ترا که محمّد مبعوث شد بر کافه خلایق و عرب را سرافرازی حاصل آمد و ترا عزّ ابدی و عزّت سرمدی به حصول پیوست و تو بهترین زنان عالم گشتی و این دولت در خاندان تو باقی ماند تا به قیامت .

القصه آن حضرت نزد ورقه رسید و از آمدن جبرئیل و مکالمه ایشان او را واقف گردانید. ورقه گفت: ابشر یا محمّد ثمّ ابشر ثمّ ابشر؛ پس به دست و پای آن حضرت افتاده روی خود را بر پای آن حضرت می‌مالید و می‌گفت: گواهی می‌دهم که تو پیغمبری و بعد از چند روز وفات کرد. پیغمبر گفت که جای وی در بهشت خواهد بود که تصدیق نبوت من کرده پیش از آنکه مأمور شوم به دعوت."(۸۹)

جاعلان این داستانها در صددند از شخصیت پیامبر بکاهند و او را به صورتی به تصویر بکشند که گوئی پیش از رسالت او جاهل بوده و از رسالت خویش بی خبرو در نبوت خود شک دارد و پس از بیان حالات به همسرش و ورقه بن نوفل در می یابد که وظیفه سنگین رسالت به او واگذار شده است.

و محمد صلی الله علیه و آله چهل ساله , بزرگ تاجران و محبوب عرب , چند کلمه را نمی تواند تکرار کنداو این اهانتی بزرگ به نبی اکرم است , و ظواهر این داستان ها با عقل و حقیقت سازگاری ندارد .

عملیات روانی یهود در مبارزه با اسلام

۱. سجده به بتهای چوبی قریش

پس از هجرت رسول (خدا) به مدینه جمعی از خواص یهود به مکه رفتند تا با مشرکان مکه بر ضد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم پیمان شوند. یکی از مشرکان از یهود پرسید دین ما بهتر است یا ائین محمد صلی الله علیه و آله ؟ و" خواص اهل باطل یهود که برای رسیدن به اهداف خویش انچنان سازشکاری با هر جمعیتی نشان می دهند, برای جلب نظر بت‌پرستان در برابر بتهای آنها سجده کردند و آنچه را که در باره عظمت اسلام و صفات پیامبر صلی الله علیه و آله دیده یا خوانده بودند زیر پا گذاشتند ، و حتی برای خوش‌آیند بت‌پرستان آئین خرافی و مملو از ننگ آنها را بر اسلام ترجیح دادند" (۹۰)

أَ لَمْ تَرَ إِلى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيباً مِّنَ الْكِتَبِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطغُوتِ وَ يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا سبِيلاً

آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب (خدا) دارند (با این حال) به جبت و طاغوت (بت و بت‌پرستان) ایمان می‌آورند و به مشرکان می‌گویند آنها از کسانی که ایمان آورده‌اند هدایت یافته‌ترند ؟ !

۲. تمسخر مومنین

یهودیان از تمسخر بهره بسیار می بردند "و در مسجد رسول خدا (ص) حضور می‌یافتند و بدانچه در آنجا می‌گذشت گوش می‌دادند و مسلمانان را به مسخره می‌گرفتند و با توهماتی که به میان می‌آوردند و با سؤالات‌های تردیدبرانگیزی که مطرح می‌کردند تردید و دودلی را در بین مسلمین رواج می‌دادند".(۹۱)

خداوند در قران به این امر اشاره دارد :

يَأَيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتخَذُوا دِينَكمْ هُزُواً وَ لَعِباً مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَب مِن قَبْلِكمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلى الصلَوةِ اتخَذُوهَا هُزُواً وَ لَعِباً ذَلِک بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا يَعْقِلُونَ (۹۲)

ای کسانیکه ایمان آورده‌اید ، افرادی که آئین شما را بباد استهزاء و بازی می‌گیرند از اهل کتاب و مشرکان ، دوست و تکیه‌گاه خود انتخاب نکنید ، و از خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید . و انها هنگامی که نماز می‌خوانید آنرا به مسخره و بازی می‌گیرند ، این بخاطر آن است که آنها جمعی هستند که درک نمی‌کنند .

۳. فریب پیامبر

یکی دیگر از تلاش های یهود , ایجاد خدشه در دین وائین حضرت بود , انان می اندیشیدند که می‌توانند حضرت را فریب دهند بنابراین به حضور حضرت رسیدند و گفتند " ما دانشمندان و اشراف یهودیم و اگر ما از تو پیروی کنیم مطمئنا سایر یهودیان به ما اقتدا میکنند ولی در میان ما و جمعیتی ، نزاعی است اگر دراین نزاع به نفع ما داوری کنی ما به تو ایمان خواهیم آورد " (۹۳) اما پیامبر از این دوری می گزیند و خداوند از این توطئه سخن گفته و پیامبر را از فتنه گران بر حذر می دارد .

وَ أَنِ احْكُم بَيْنهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ وَ لا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ احْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوک عَن بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْک فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُم بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَ إِنَّ كَثِيراً مِّنَ النَّاسِ لَفَسِقُونَ (۹۴)

و باید در میان آنها طبق آنچه خداوند نازل کرده حکم کنی و از هوسهای آنان پیروی مکن و بر حذر باش که مبادا تو را از بعض احکامی که خدا بر تو نازل کرده منحرف سازند ، و اگر آنها روی گردانند بدان خداوند می‌خواهد آنها را بخاطر پاره‌ای از گناهانشان مجازات کند و بسیاری از مردم فاسقند .

۴. ایجاد شک و تردید

یهود برای متزلزل ساختن ایمان مسلمانان از هر وسیله‌ای استفاده می‌کردند , یکی دیگر از ابزارهای انان ایجاد شک و تردید بین مؤمنین است "که ابتدا وانمود می‌کردند که مسلمان شده‌اند و پس از مدتی اعلام می‌کردند که اسلام برگشتند تا بدین طریق مسلمانان را به ارتداد جرأت دهند که قبح این کار را بشکنند" (۹۵)که قران به آن اشاره می کند .

وَ قَالَت طائفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَبِ ءَامِنُوا بِالَّذِى أُنزِلَ عَلى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَ اكْفُرُوا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (۹۶)

و جمعی از یهود گفتند :در ظاهربه آنچه بر مؤمنان نازل شده ، در آغاز روز ایمان بیاورید ، و در پایان روز، کافر شوید شاید آنها از آیین خود باز گردند !

" دانشمندان یهود با یکدیگر تبانی کردند که صبحگاهان خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برسند و ظاهرا ایمان بیاورند و مسلمان شوند ، ولی در آخر روز از این آئین برگردند و هنگامی که از آنها سؤال شود چرا چنین کرده‌اند بگویند: ما صفات محمد صلی الله علیه و آله را از نزدیک مشاهده کردیم و هنگامی که به کتب دینی خود مراجعه نموده و یا با دانشمندان دینی خود مشورت کردیم دیدیم صفات و روش او با آنچه در کتب ما است تطبیق نمی‌کند و لذا برگشتیم ، تا این موضوع سبب شود که عده‌ای بگویند اینها به کتب آسمانی از ما آگاهترند ، لابد آنچه را می‌گویند راست گفته‌اند و به این وسیله متزلزل می‌گردند . " (۹۷)

و از آنجائی که همه می‌دانستند که آنها نسبت به کتب آسمانی و نشانه‌های آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله ، آشنایی کامل دارند!! یهود امیدوار بود که این امر حداقل ایمان تازه مسلمانان را سست کند .

۵. برانگیختن خشم جاهلی

یهود ازاینکه می دید اوس و خزرج که سالها با هم اختلافات شدیدی داشتند اکنون ، در نهایت صفا و صمیمیت گرد هم جمع شده اند و آتش اختلافات شدیدی که در جاهلیت در میان آنها شعله‌ور بود به کلی خاموش شده است . و این اتحاد آنان برگسترش اسلام تاثیر بسزائی دارد . و اگراینها به همین طریق پیش روند موجودیت یهود به کلی در خطر است.

"شأس بن قیس می‌خواست با زنده کردن کینه‌های دیرینه در میان اوس و خزرج آتش اختلاف و جنگ را شعله‌ور کند که با اقدام به موقع پیامبر صلی الله علیه و آله این توطئه ناکام ماند" (۹۸)

از این رو با یاد اوری حوادث خونین بغاث (محلی که جنگ شدید اوس و خزرج در آن نقطه واقع شد) ، و تجسم ان حوادث در برابر دیدگان انان , خشم انان را بر می انگیختند و چیزی نمانده بود که آتش خاموش شده دیرین بار دیگر شعله‌ور گردد . خبر به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید ، فورا با جمعی از مهاجرین به سراغ آنها آمد ، و با اندرزهای مؤثر و سخنان تکان دهنده خود آنها را بیدار ساخت .

و قران بار دیگر یهودیان را این گونه سرزنش می نماید:

قُلْ يَأَهْلَ الْكِتَبِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِئَايَتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ شهِيدٌ عَلى مَا تَعْمَلُونَ, قُلْ يَأَهْلَ الْكِتَبِ لِمَ تَصدُّونَ عَن سبِيلِ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ تَبْغُونهَا عِوَجاً وَ أَنتُمْ شهَدَاءُ وَ مَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۹۹)

بگو ای اهل کتاب ! چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید با آنکه خدا گواه بر اعمال شماست , بگو ای اهل کتاب ! چرا افرادی را که ایمان آورده‌اند ازراه خدا باز میدارید و میخواهید این راه را کج سازید در حالی که شما (به درستی این راه) گواه هستید و خداوند از آنچه انجام میدهید غافل نیست.

صلح‌نامه پیامبر صلی الله علیه و آله با یهود:

پیمان عمومی نبی اکرم با یهود

پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام ورود به مدینه در صدد جلب قلوب و تبلیغ آیین خویش بود، اما از آنجایی که یهود ثروت زیاد و تسلط بر اقتصاد مدینه داشت و پیامبر صلی الله علیه و آله هم می‌دانست اگر یهودیان را با خود متحد نکند وحدت به طور کامل برقرار نمی‌گردد. اگر یهودیان را با خویش همراه نکند خطر قریش و بت‌پرستان و رسیدگی به وضع مسلمین امکان‌پذیر نمی‌باشد. بنابراین در ابتدای ورود به مدینه پیمان‌نامه‌ای را با یهود امضاء کرد "با هدف تعیین حدود و حقوق دسته‌ها و قبائلی چون اوس و خزرج و اعراب و یهود که آن را نخستین قانون اساسی می‌خوانند".(۱۰۰)

چند ماده مهم این پیمان چنین است:

۱- مسلمانان و یهودیان امت واحد به شمار می‌روند.

۲- مسلمانان و یهودیان در پیروی از دین خود آزادند.

۳- مهاجران قریش به رسم سابق خویش قبل از اسلام در پرداخت خون‌بهاء باقی هستند. اگر فردی از آنان کسی را کشت یا اسیر گردید باید به کمک هم خونبهای او را طبق عدالت و معروف بین مؤمنان بپردازد و اسیر خود را با پرداخت فدیه آزاد کند.
۴- هیچ کس حق ندارد به غلام، فرزند یا دیگر اعضای خانواده کسی بدون اجازه او پناهندگی دهد.
۵- امضاء کنندگان این پیمان دفاع مشترک از مدینه را به عهده خواهند داشت.
۶- مرجع رفع اختلاف در اختلافات احتمالی در میان امضاء کنندگان این پیمان محمد خواهد بود.(۱۰۱)
این عقد پیمان جزء اولین اقدامات پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه بود که در حفظ آرامش شهر تأثیر بسزایی داشت.

پیمان خاص نبی اکرم با یهود

پس از استواری و پایداری اساس جامعه جدید اسلامی و اعتماد به آن و پس از به وجود آوردن عقیده و سیاست و نظامی هماهنگ و یک‌پارچه در میان مسلمانان؛ پیامبر گرامی چنان مصلحت دید که با غیر مسلمانان نیز، روابطی تنظیم و برقرار کند که صلح و امنیّت، آسایش و خیر و سعادت بشریّت و ایجاد سرزمینی دوستانه و یک رنگ [توأم با احترام و آزادی عقیده] را به ارمغان آورد. و برای نیل به این هدف والا، قوانین گذشت و جوانمردی و چشم پوشی را- که در جهان مالامال از تعصب و زیاده‌روی و حق پوشی بی‌سابقه بود- پی ریزی کند.
نزدیک‌ترین همسایه مدینه از میان غیر مسلمانان یهود بودند. هر چند نسبت به مسلمانان [و حتی نسبت به بشریّت] دشمنی قلبی و درونی داشتند؛ و هنوز هیچ‌گونه دشمنی یا مقاومتی را از خود نشان نداده بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله در آن پیمان آزادی کامل عقیده و اموال را به خود آنان واگذاشت و به تبعید و مصادره اموال و دارایی و دشمنی با آنان مایل نبود. آنان در این پیمان متعهد شدند:
۱- با دشمنان مسلمانان همکاری نکنند و مرکب، اسلحه و ابزار
جنگی در اختیار آنان قرار ندهند.
۲- هیچ گامی بر ضرر پیامبر و مسلمانان بر ندارند و پنهان و آشکار با زبان و با دست ضرری به آنان نرسد.
۳- اگر بر خلاف این قرار داد عمل کنند پیامبر صلی الله علیه و آله حق هرگونه مجازات آنها را اعم از قتل آنها یا اسیر کردن زنان و کودکان و یا ضبط اموالشان خواهد داد. (۱۰۲)

نقش یهود در شهادت امامان!!!

در کتاب "اسرار غدیر"، صفحه ۳۰۸-۳۰۷ آمده است: "سقیفه نمایان در قیافه های ظاهر فریب ظاهر شدند که کمر اجتماع در مقابل آن خم شد... همسر پیامبر صلّی الله علیه و آله در میدان جنگ در برابر علی علیه السلام ظاهر شد... حضور زن در میدان جنگ از یک سو و همسر پیامبر بودن از سوی دیگر برای عوام فریبی راه شکننده ای بود و تأثیر به سزایی هم داشت، ولی دختر مؤسس سقیفه بودن و سابقه های شومی که از جاسوسی برای پدر در حیات و پس از رحلت پیامبر صلّی الله علیه و آله در پرونده داشت معرف خوبی برای نمایندگی او از سقیفه در مقابل غدیر بود."
برای نمونه از جاسوسی های عایشه و حفصه، دختران ابوبکر و عمر برای پدرانشان، بسیاری از مفسرین شیعه و سنی از جمله در تفسیر طبری و درالمنثور سیوطی ذیل آیات ۳ و۴ سوره تحریم ماجرایی را نقل کرده اند بدین مضمون که: رسول گرامی اسلام که نگران آینده اسلام بود، روزی با تأسف به یکی از همسران خود حفصه فرمود: پدر تو و پدر عایشه پس از وفات من برای به دست آوردن حکومت، سر به شورش می زنند و حاکم می شوند. این خبر غیبی چون رازی بین پیامبر(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) و همسرش قرار داشت که دختر عمر آن را برای عایشه افشا می کند و او به پدرش ابابکر و ابابکر آن را به عمر می رساند، و عمر از دخترش با اصرار فراوان می پرسد که بگو ماجرا چیست؟ تا خود را آماده سازیم. و با نزول آیات ابتدای سوره تحریم، وحی الهی از افشای راز نهان پرده برمی دارد.
در کتاب "مهار انحراف" صفحات ۹۸-۹۷ به نقل از مسند احمد، ج۶، ص۲۷۴ و الطبقات الکبری، ج۲، ص۲۰۶ آمده است: "پیامبر پس از بازگشت از بقیع و اعلام وجود فتنه در مدینه، به منزل عایشه می روند و از آنجا بیماری آغاز می شود و به یکباره تب می کنند و از دنیا می روند."
برای نتیجه گیری از بحث، پیرامون شهادت پیامبر اعظم(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) باید بگوییم که نقشه قتل پیامبر(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) یک بار در جنگ تبوک و چند بار به وسیله سم و بارها به صورت مسلحانه تدارک دیده شده بود که همه نقش بر آب شد. در این مقاله یکی از این موارد ترور بررسی شد ولی جالب اینجاست در تمام این سوء قصدها ردپای افراد مشخصی که از آنان نام بردیم دیده می شود. منافقان و یهودی زادگان، سرانجام حضرت را مسموم کردند و به شهادت رساندند. بی گمان قاتل ایشان، از عاملان نفوذی یهود، در نظام حکومتی و یا حتی در خانه پیامبر(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) است که به ایشان زهر خورانده است؛ خواه آن را منافق بنامیم، خواه

یهودی، خواه مشرک. ولی با توجه به شواهد و روایات، زنی مسلمان نما که ارتباط تنگاتنگی با منافقان و یهودی زادگان مدینه داشته است عامل مسموم نمودن پیامبر(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) است؛ ولی تاریخ، او را زن یهودیّه خیبری معرفی کرده است. حال آن که این ترور، از ترورهای نافرجام پیامبر(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) است ولی همگان می پندارند ایشان با همان زهر زن خیبری به شهادت رسیده است در حالی که زهر زن منافق، کارگر شده است.

در ادامه، بحثی را پیرامون شهادت بانوی دو جهان، حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا سلام الله علیها، آغاز می کنیم.

در کتاب "مهار انحراف"، صفحات ۱۲۳-۱۲۲، آمده است: "با وجود تمام تلاش رسول الله(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) در بیان شخصیت والای فاطمه(سلام الله علیه)، حضرت زهرا(سلام الله علیه) نمی توانست به عنوان دفاع از ولایت، از منزل بیرون بیاید؛ چرا که غاصبان خلافت، در عملیات روانی چیره دست بودند و می توانستند جو مدینه را با تبلیغات تغییر دهند... از این نکته که آن ها توانستند در مدینه به سرعت خلأ قدرت را پر کرده و خود را به عنوان جبهه حق جا بزنند، قدرت و تخصص آن ها در زمینه احاطه خبری، اثبات می شود. با توجه به جو حاکم بر مدینه، دختر پیامبر(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) اگر وارد میدان شود و داعیه دار خلافت شود، او را نیز به آسانی از سر راه بر می دارند. اما روند حمله به زهرا(سلام الله علیه) باید... ظاهری مشروع داشته باشد؛ دقیقاً همان کاری که صورت گرفت. ابوبکر پس از جریان حمله به خانه فاطمه(سلام الله علیه) بارها می گفت: لیتنی لم اکتشف بیت فاطمه؛ در واقع علت ابراز پشیمانی او این بود که جریان به کلی به زیان او پایان یافته است. می توان مبارزات حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیه) را در مقابل غاصبان خلافت و نیز پشتیبانی و دفاع از مقام ولایت و امامت را در پنج مرحله مورد بررسی قرار داد: ۱. جریان فدک؛ ۲. عزاداری حضرت زهرا(سلام الله علیه) در فراق پیامبر؛ ۳. حضور حضرت در پشت در خانه و به هنگام آتش گرفتن در؛ ۴. اعلام نارضایتی حضرت از دو خلیفه و غاصبان خلافت؛ ۵. وصیت حضرت در مخفی بودن قبرشان."

پس از فتح خیبر و شکست یهودیان، باغات فدک در اختیار رسول خدا(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) قرار گرفت و رسول خدا(صلّی اللّه علیه وآله و سلّم) آن را به فاطمه زهرا(سلام الله علیه) اهدا فرمودند و سندی برای آن تنظیم نمودند و فدک، در چند سال از حیات پیامبر(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) در اختیار فاطمه قرار داشت اما ابوبکر و عمر آن را غصب کردند.

در کتاب "ره آورد مبارزات حضرت زهرا سلام الله علیها" صفحات ۹۷-۹۶ آمده است: "فاطمه(سلام الله علیه)... انحرافات و تحریفات را افشا نمود. ماجرای غصب فدک و این که پیامبر ارث نمی گذارد را با استدلال های محکم قرآنی محکوم کرد و سران حکومت را به زانو درآورد... و با شواهد گویا و سند مکتوب (به املاء رسول خدا(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم)) مانع ترویج یک حدیث جعلی شد، تا فرمان بازگرداندن فدک را از ابابکر گرفت. وقتی سران کودتا... ناچار شدند فدک غصب شده را بازگردانند که آبرویشان بر باد می رفت... و اسلامی نبودن فرامین کودتا گران بر همه ثابت می شد، به زور متوسل شدند و خود را رسوا کردند که: عمر با دست ناپاکش سیلی به صورت فاطمه(سلام الله علیه) نواخت. و سند فدک را پاره کرد... و در همیشه تاریخ اسلام رسوا شد."

اصرار و شدت عمل ابوبکر و عمر در غصب فدک که زمانی ملک یهودیان بوده است، نشان از عمق کینه و بغض آنان و دوستان یهودیشان، نسبت به فاتح خیبر و صاحب فدک است.

در صفحات ۵۸-۵۷، همان کتاب، آمده است: "چنین اندیشیدند که: به بهانه گردهمایی مخالفان در خانه علی(علیه السلام) به منزل امام یورش ببرند. مخالفان اندک و علی(علیه السلام) در یک مقابله شمشیر و در یک جنگ نابرابر کشته می شوند. آنگاه حل مشکل طبیعی است زیرا: ... علی(علیه السلام) برای خلافت شمشیر کشید جنگید و کشته شد. نمی بایست دست به شمشیر ببرد و در امت اسلامی مسلحانه برخورد کند. اما یک محاسبه دقیق را از یاد برده بودند. فاطمه زهرا(سلام الله علیه) را به حساب نیاوردند فکر می کردند، زنی که برای حفظ حجاب خود در ماجراهای سیاسی دخالت نمی کند در خط مقدم قرار نمی گیرد، در خانه می نشیند و دعا می کند یا قرآن می خواند یا گریه می کند و چون طرفداران علی(علیه السلام) اندک می باشند، زود از میدان خارج شده، و علی(علیه السلام) تنهاست و در تنهایی و غربت چه می تواند بکند؟ برای همین اهداف شوم دو هزار نفر را بسیج کردند و یا به نقل برخی از نویسندگان ۴۵۰ نفر را در یورش به خانه امام دخالت دادند. از این رو دفاع جانانه حضرت زهرا(سلام الله علیه) برای حفظ جان امام(علیه السلام) یکی از ره آوردهای مهم مبارزات حضرت زهرا(سلام الله علیه) است... و معتقدیم: اگر فاطمه نبود، دین و آیینی، امامت و تداوم راه رسالتی وجود نداشت."

در همان کتاب، صفحات ۵۰-۴۷، آمده است: "گروه های مهاجم و فرمانده شان عمر می دانستند که زدن و بازو شکستن و شهادت حضرت محسن برای آن ها گران تمام می شود و سیلی زدن به دختر پیامبر اسلام که ده ها حدیث و روایت در فضیلت او در میان مردم انتشار دارد کار ساده ای نمی باشد، و تلاش داشتند این کار را نکنند، ابتدا با انواع تهدیدها برخورد کردند دیدند فایده ای ندارد. هیزم برای آتش زدن در آوردند و هشدار دادند، تأثیری نداشت. و دختر پیامبر(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) مصمم برای شهادت در برابر مهاجمان ایستاده بود، تا درب خانه را آتش نزدند و نیم سوخته آن را بر اندام او نکوبیدند، و بین در و دیوار با ضربت های جانکاه محسن او را شهید نکردند و تا بیهوش بر زمین نیفتاده بود دفاع را ادامه داد... و تا شنید که امام زمان او را به زور به سوی مسجد می کشانند. با

همه دردهای شدیدی که یک زن، پس از سقط جنین دارد، آن هم سقط جنینی که با ضربت و فشار باشد... چادر بر سر کرد و تکیه به حضرت مجتبی داد و با سرعت خود را به امام رساند... دامن امام را گرفت و مانع بردن امام به مسجد شد... سران سیاسی کودتاگر سقیفه... چون به بن بست کامل رسیدند... ناچار شدند کفر پنهان را آشکار کنند و نفاق درون را آشکارا بنمایانند... که بگوید: قنفذ دست فاطمه را کوتاه کن... و تا دست فاطمه(سلام الله علیه) بر اثر ضربات سخت سست نشده بود نتوانستند علی(علیه السلام) را به مسجد بکشانند. این واقعه را همه دیدند... همه فهمیدند سران کودتاگر سقیفه، منطق و ایمان ندارند که دست به شمشیر و شلّاق می برند."

و باز در همان کتاب، صفحه ۱۲۴، آمده است: "در مبارزه مستقیم نمی توانستند تا آنجا پیش بروند که دختر پیامبر را سیلی بزنند اما در تداوم خط نفاق، عمر به راحتی دستور صادر می کند و قنفذ یهودی زاده به راحتی این خیانت را مرتکب می شود."

و در صفحه ۱۲۸، آمده است: " ابوبکر فرمان یورش به حریم ولایت را صادر می کند. عمر به خانه امام هجوم آورده حضرت محسن را به شهادت می رساند. قنفذ یهودی زاده فاطمه(سلام الله علیه) را کتک می زند."

مغیرة بن شعبه یهودی نیز، یکی از عوامل حکومت ابوبکر، عمر و عثمان و از مهاجمان اصلی به خانه وحی بود. اخنس پدر مغیره از مشرکین بود که در روز فتح مکه به ظاهر مسلمان شد. برادر او ابوالحکم در جنگ احد به دست امام علی(علیه السلام) کشته شد و او همواره کینه امام علی(علیه السلام) را در دل داشت.

با بیان این مطالب روشن است که قاتلان حضرت زهرا(سلام الله علیه)، همان منافقان و یهودی زادگان مسلمان نمای مدینه هستند؛ که بهتر است از این پس، آنان را یهودی زادگان قاتل بنامیم.

آری این ها، واقعیات تلخ تاریخ صدر اسلام است که یهودیا ن همان طور که در زادگاه آیین مسیح(علیه السلام)، تصمیم به سنگسار مریم(سلام الله علیه) گرفتند، اقدام به قتل مسیح(علیه السلام) کردند، ایشان را به پیامبر مفقود الاثر تاریخ بدل نمودند، در حواریان ایشان نفوذ کردند، پولس یهودی را به جانشینی ایشان نشاندند و توحید را به تثلیث بدل نمودند، بار دیگر برنامه شومشان را در زادگاه اسلام و در میان مسلمانان و اهل بیت پیامبر اسلام تکرار کردند.

شاید تعجب کنید، اگر بشنوید که امام علی(علیه السلام) را نیز یک یهودی زاده به شهادت رسانده است.

در کتاب "منتهی الآمال"، جلد اول، صفحه ۲۵۸، آمده است: "از پس او ابن ملجم آمد... و شمشیر بر فرق آن حضرت فرود آورد... آن حضرت فرمود: ... سوگند به خدای کعبه که رستگار شدم. و صیحه ی شریفه اش بلند شد که فرزند یهودیّه (ابن ملجم) مرا کشت، او را مأخوذ دارید."

در کتاب "ره آورد مبارزات حضرت زهرا سلام الله علیها" صفحه ۱۲۱، آمده است: "ابن ملجم یهودی زاده، مسلمان می شود و از طرف مردم یمن با امام علی(علیه السلام) بیعت می کند و در جنگ جمل و صفین شرکت می کند و پس از حکمیت جزو خوارج شده به ترور امام روی می آورد."

در کتاب "منتهی الآمال"، جلد اول، صفحه ۳۴۲، آمده است: "حضرت امام حسن(علیه السلام) با اهل بیت خود می فرمود: من به زهر، شهید خواهم شد مانند رسول خدا(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم). پرسیدند که خواهد کرد این کار را؟ فرمود: زن من، جعده، دختر اشعث بن قیس. معاویه پنهانی زهری برای او خواهد فرستاد و امر خواهد کرد او را که آن زهر را به من بخوراند."

اشعث بن قیس شوهر خواهر ابوبکر بود. او کسی است که سوابق تاریخی نکوهیده او در خطبه ۱۹ نهج البلاغه ذکر شده است و امام علی(علیه السلام) او را منافق پسر کافر نامیده اند. و او نیز از یهودی زادگان قاتل است. معاویه هم که از سردمداران نفاق در مدینه بود.

در کتاب "ره آورد مبارزات حضرت زهرا سلام الله علیها" صفحه ۱۲۸، آمده است: "امام مجتبی(علیه السلام) با زهر دختر یهودی زاده ای مسموم می شود."

نسبت عاملان اصلی شهادت سید الشهدا امام حسین(علیه السلام)، با منافقان مدینه و شیوه به قدرت رسیدنشان نیز مشخص است.

امام حسین(علیه السلام) با فرمان فرزند معاویه کسی که در تمام جنگ های مستقیم، شکست خورده بود و سرانجام با لطف و عنایت ابابکر و عمر به حکومت رسید در کربلا به شهادت می رسد.

در خطبه ی ۷۳ از کتاب شریف "نهج البلاغه" آمده است: "گویند: مروان بن حکم در روز جنگ جمل اسیر شد، حسن و حسین علیهما السلام نزد امیرالمؤمنین(علیه السلام) شفاعت کردند و امام علی(علیه السلام) او را رها کرد. به او گفتند: ای امیرالمؤمنین آیا با شما بیعت می کند؟ فرمود: مگر پس از کشته شدن عثمان با من بیعت نکرد؟ مرا به بیعت او نیازی نیست! دست او دست یهودی است، اگر با دست خود بیعت کند، در نهان بیعت را می شکند. آگاه باشید، او حکومت کوتاه مدتی خواهد داشت، مانند فرصت کوتاه سگی که با زبان بینی خود را پاک کند. او پدر قوچ های چهارگانه[چهار فرمانروا] است و امت اسلام از دست او و پسرانش روزگار خونینی خواهند داشت."

دست یهودی کنایه از عهدشکنی مروان است، مروان هم یهودی زاده بود، و هم یهودیان در آن روزگاران معروف به پیمان شکنی بودند.

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات ، شماره ۲۰ ، تابستان ۱۳۹۹جلد۳، ص ۱۰۰-۷۰
http://www.jrse.ir

یزید(یزید خود فردی یهودی بود بدین گونه که در سخنرانی استاد رائفی پور در خصوص نقش یهود در واقعه عاشورا متجوجه شدیم که اسامی مورد لعن شده مانند یزید سال ۲۵ یا ۲۶ هجری به دنیا آمده است و مادرش میسونه بود که اصلا عرب نبود میسونه مادرش یهودی بود و پدرش مسیحی بود و خود میسونه گفت : که من بین دین پر و مادرم دین مادرم را می پرستم و دئست دارم یهود باشم و زمانیکه معاویه با میسونه ازدواج کرد یزید را حامله بود طلاقش داد این رفت پیش برادرش و یک تربیت کاملا اهل کتابی بزگ شد هیچ ارادتی به پیامبر نداشت .مشاور یزید ملعون فردیست به نام سِرجان یا سِرجون این فرد کسی ست که ارتباط مستقیم با ابن زیاد داشت و به یزید مشاوره میداد و یهود طبق پیش گویی هایش اهل بیت را داشت و امام حسین را به نام داشتو در یک کتابش به نام نبوت الولد بیت که ۷۰سال قبل از به دنیا آمدن پیامبر نوشت شده است که:(سَری از پشت بریده شده خواهد شد در کنار رود فرات، ناموس بهترین خلق خدا را ببینی که از میان خیمه های رنگارنگ بیرون می کشند و در میان چشم حرامزادگان قرار می دهند استخوانهای سینه ای که در زیر ثم اسبان شکسته خواهد شد .*همیشه این سوال بوده است که اباعبدالله الحسین اگر در گودال به شهدت رسیده چه اصراری بوده که پیکر مطهر برداشته شود و بیارن در یک زمین صاف قرار بدهند و حتما نعلهای تازه بزنند که این برنامه ریزی از قبل ریخته شده را حتما اجرا کنند چرا؟

چون در آن کتاب آمده است (نبوت الولد)به محض اینکه اباعبدالله به شهادت میرسند سِرجان استعفامیدهد و بیت المقدس میرود و یک کتاب می نویسد که در آن اثبات کند پیامبر ما جن زده است خود یزید هم یک بیت شعر دارد وَإن حَرُمَت یومٌ علی دین أحمد ،داشت عرق میخورد به یزید گفتند که تو مسلمانی گفت:اگر این حرام شده روزی بر دین احمد فَخَزَعَها علی دین مسیح بن مریم ،من مسیحی هستم و این عرق را می خورم .)و بنی امیه برای این که فرزندان یزید عبدالله و خالد بزرگ شوند و حکومت در خاندان ابوسفیان باقی بماند با مروان بیعت کردند که سرانجام مروان پس از ازدواج با همسر یزید، ام خالد و پدید آمدن اختلافات داخلی به دست او خفه شد.

چهار فرزند مروان که به فرمانروایی رسیدند عبارتند از: عبدالملک مروان که حاکم مطلق العنان امت اسلامی بود، عبدالعزیز که حاکم مصر شد، بشر بن مروان که حاکم عراق شد و محمد بن مروان که حاکم الجزیره شد.

در کتاب "ره آورد مبارزات حضرت زهرا سلام الله علیها" صفحات ۱۲۱-۱۲۰، آمده است: "مروان یهودی به ظاهر مسلمان شد و داماد عثمان گردید... و سپس او و چهار فرزندش تا ده ها سال بر مسلمین حکومت کردند... یهودیان اطراف مدینه که در خیبر شکست سخت خوردند و در ماجرای بنی قریظه، شدیداً تنبیه گردیدند، به ظاهر مسلمان شدند، مروان بن حکم یهودی زاده پس از مرگ یزید حکومت را به دست گرفت و پس از او فرزندان او تا سال های سال با قتل و کشتار حکومت کردند."

امام زین العابدین و امام محمد باقر علیهما السلام نیز با زهر فرزندان مروان بن حکم یهودی به شهادت رسیدند.

پیرامون شهادت امام زین العابدین(علیه السلام)، در کتاب "منتهی الآمال"، جلد دوم، صفحه ۶۲ آمده است: "ا

ز اخبار معتبر که بر وجه عموم وارد شده، ظاهر می شود که آن حضرت را به زهر شهید کردند. ابن بابویه و جمعی را اعتقاد آن است که ولید بن عبدالملک، آن حضرت را زهر داده؛ و بعضی هشام بن عبدالملک گفته اند. ممکن است که هشام بن عبدالملک... برادر خود ولید بن عبدالملک را، که خلیفه آن زمان بود، وادار کرده باشد که آن حضرت را زهر دهد. پس هر دو آن حضرت را زهر داده اند؛ و صحیح است نسبت قتل آن حضرت به هر دو تن."

پیرامون شهادت امام محمد باقر(علیه السلام) در کتاب "منتهی الآمال"، جلد دوم، صفحه ۱۷۲ آمده است: "و گفته شده که: آن حضرت را ابراهیم بن ولید بن عبدالملک بن مروان به زهر شهید کرده و شاید به امر هشام بوده"

آن چه در روایات و تواریخ مشهور است امام جعفر صادق(علیه السلام) با زهری که منصور بن محمد بن علی بن عباس، خلیفه عباسی به ایشان خورانده بود به شهادت رسیده است.

بنابر آن چه در کتاب "منتهی الآمال"، جلد دوم، صفحه ۳۱۰، آمده است و در روایات مشهور است امام موسی کاظم(علیه السلام) را نیز، سندی بن شاهک یهودی که زندانبان ایشان بود مسموم کرد و به شهادت رساند.

و بالاخره مطلب پایانی را از کتاب "ره آورد مبارزات حضرت زهرا سلام الله علیها" صفحات ۱۲۸-۱۲۷، نقل می کنیم: "حال پس از وفات پیامبر(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) همه مخالفان و دشمنان پنهان و آشکار اسلام، دست در دست هم نهادند تا علی(علیه السلام) و نظارت امامان معصوم(علیه السلام) در جامعه نباشد. عترت پیامبر(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) در انزوا قرار گیرد. اسلام ناب رسول خدا(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم) به تدریج فراموش گردد. که سرانجام: عقده ها و کینه های بدر و احد را از دل بیرون کنند. و با کتک زدن دختر پیامبر(صلّی اللّه علیه و آله و سلّم)، از آن زخم های کهنه مبارزات امام علی(علیه السلام) به گونه ای انتقام بگیرند، که در آغاز قصد جان او را داشتند، و سپس به انزوای او کوشیدند. تمام شکست خورده ها، کافران زخم خورده ، یهودیان و یهودی زادگان سیلی خورده، تنبیه شده، حد خورده، آنان که خویشاوندان خود را در جنگ های بدر و احد از دست داده بودند، همه و همه اکنون در کودتای سقیفه، برای از میان برداشتن علی(علیه السلام) هم داستان شدند و در انزوای عترت هم پیمان شدند. ابوبکر فرمان یورش به حریم ولایت را صادر می

کند. عمر به خانه امام هجوم آورده حضرت محسن را به شهادت می رساند. قنفذ یهودی زاده فاطمه(سلام الله علیه) را کتک می زند. ابابکر و عمر، دست در دست خالد بن ولید گذاشته، مخالفان را سرکوب می کنند. و با ابوسفیان کنار می آیند و فرزندان او را به حکومت می رسانند. و یهودی زاده نفوذی، مروان بن حکم داماد عثمان می شود، و مقدرات جامعه اسلامی را به دست می گیرد. و سرانجام امام علی(علیه السلام) به دست یهودی زاده ای شهید می گردد. و امام مجتبی(علیه السلام) با زهر دختر یهودی زاده ای مسموم می شود. و امام حسین(علیه السلام) با شمشیر فرزند هند جگرخوار (که در تمام جنگ های مستقیم، شکست خورده بود و سرانجام با لطف و عنایت ابابکر و عمر به حکومت رسید) در کربلا به شهادت می رسد. و حکایت هم چنان باقی است!!"

نقش یهود در حادثه عاشورا

نویسنده کتاب«اسرائیل چگونه باید از بین برود» گفت: یهود حتی پیش از حادثه کربلا، روز دهم محرم را به نام «یوم کیپور» جشن می گرفتند و اکنون نیز همین رسم را دارند. میان پیروان ادیان مختلف، تنها کفار یهود هستند که نه تنها حرمت ماه های حرام را نگاه نمی دارند.

نقش بنی اسرائیل در واقعه عاشورا

حجت الاسلام ابراهیم نیا پژوهشگر حوزوی به شواهد نقش یهود(صهیونیزم) در واقعه عاشورا اشاره کرد و گفت: در آیه ۷۸سوره مائده آمده است، کسانی از بنی اسرائیل که کافر شدند توسط حضرت عیسی(ع) و داوود نبی مورد لعن قرار گرفته اند. همچنین در زیارت مطلقه امام حسین(ع)، شخصی خدمت امام کاظم(ع) رسید و این زیارت را نزد ایشان خواند و امام در این فراز که شهادت می دهیم کسانی که امام حسین(ع) را کشتند و حرمتش را شکستند، توسط عیسی و داوود لعن شده اند، تأکید کردند که مراد از این ملعونین، همان کفار بنی اسرائیل هستند.

وی ادامه داد: در زیارت عاشورا آمده است «إن هذا یوم تبرکت به بنوا امیۀ اللعین بن اللعین علی لسانک و لسان نبیک...» پسران امیه از سوی خدا و پیامبر(ص) لعنت شده اند و از سوی دیگر تنها قومی که در قرآن مورد لعن خدا قرار گرفته اند، کفار بنی اسرائیل هستند، این خود دلیلی بر یهودی بودن شخص «امیه» است چنان که در جلد۳۳ بحارالانوار نیز آمده است که امیه با هاشم، نسبت خونی ندارد، امیه در واقع یک غلام رومی بود (امپراطوری روم مرکز صدور تفکرات بنی اسرائیل به جهان بود) که در سفرهای تجاری قریش، به عبدشمس، برادر هاشم هدیه شد و بعدها به فرزندخواندگی او در آمد، به این ترتیب از اعضای رسمی قبیله قریش شده و به پسرعموی هاشم معروف شد.

حجت الاسلام ابراهیم نیا ابراز داشت: یهود حتی پیش از حادثه کربلا، روز دهم محرم را به نام «یوم کیپور» جشن می گرفتند و اکنون نیز همین رسم را دارند. میان پیروان ادیان مختلف، تنها کفار یهود هستند که نه تنها حرمت ماه های حرام را نگاه نمی دارند بلکه جنگ در این ماه ها را فضیلت می دانند(از همین رو اکنون نیز اسرائیل بدون هیچ دلیل خاصی بلافاصله در آغاز محرم به غزه حمله می کند)، این در حالی است که حتی اعراب جاهلیت هم در این ماه ها نمی جنگیدند.

همچنین روش جنگی که در روز عاشورا پیاده شد از جمله سر بریدن و هدیه دادن آن، نعل تاختن بر پیکر کشتگان، بستن آب و به صلیب کشیدن، میان بنی اسرائیل سابقه دارد.

تداوم مصیبت امام حسین(ع) و ضرورت توجه به خونخواهی از قاتلان حضرت

وی، یادآوری عمق جنایات یزیدیان، بزرگی مصیبت و نیز زنده بودن جنایتکاران کربلا توسط خطبا و مداحان را از راهکارهای تقویت روحیه حماسی در هیئات عنوان و خاطرنشان کرد: انسان عزیزترین کسانش را هم که از دست بدهد پس از مدتی فراموش می کند اما مصیبت امام حسین(ع)، مصیبتی است که ۱۴ قرن است بر آن گریه می کنیم چرا که قاتلان ایشان هنوز زنده هستند و در این دنیا به طور عادی و آزادانه زندگی می کنند.

وی ادامه داد: در میان اعراب رسم است بر سر مزار کسانی که انتقام خونشان گرفته نشده و قاتلشان زنده است، پرچمی سرخ رنگ نصب می کنند، بنابراین پرچم سرخ گنبد اباعبدالله(ع) نشان این است که کسی در اینجا دفن است که قاتلش هنوز زنده است.

این که در دعای ندبه آمده است امام زمان(عج) هر صبح و شام بر مصایب اباعبدالله(ع) خون گریه می کنند و همچنین در زیارت عاشورا توفیق انتقام خون حضرت در رکاب امام زمان(عج) را از خدا می خواهیم، همه نشان از تداوم این مصیبت و لزوم توجه به خونخواهی از قاتلان حضرت دارد.این مسأله باید از سوی خطبا و اهل منبر برای مردم تبیین شود که همانطور که ما عراقی ها را مقصر اصلی جنگ

هشت ساله نمی دانیم بلکه آنان تنها عروسک خیمه شب بازی و عوامل میدانی اسرائیل بودند، درست مثل عمر سعد و شمر و... که در کربلا بازیچه دست یود قرار گرفتند.

وی با اشاره به نقش تقویت روحیه حماسی، در ماندگاری عزاداری، اظهار داشت: معرفت امت اسلام باید طوری باشد که وقتی صحبت از محرم می شود یاد عمق فاجعه و مصایب اهل بیت(ع) و تداوم آن تا روز قیامت بیفتند.

هشدارهای قرآن نسبت به بنی اسرائیل، تصادفی نیست

نویسنده کتاب «اسرائیل چگونه باید از بین برود»، در پاسخ کسانی که توطئه های صهیونیزم را جدی نگرفته و نسبت به آن بی تفاوت هستند، تأکید کرد:

*آیا این که خداوند این همه آیه در مورد بنی اسرائیل نازل کرده و بزرگ ترین سوره قرآن کریم را به شرح سرگذشت این قوم اختصاص داده و این همه ما را نسبت به این قوم هشدار داده است، بی دلیل و امری تصادفی است؟

حال میخواهیم :مستندات مربوط به نقش یهودیان در حادثه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و صحنه‌گردانی این فاجعه توسط آنان را ارائه دهیم.

۱. این‌که یهودیان به‌دنبال ترور خاندان نبوت صلوات الله علیهم اجمعین از جمله امام حسین علیه‌السلام بوده‌اند را می‌توان از این حدیث شریف نبوی که در دوران خردسالی حسنین علیهماالسلام ایراد شده است فهمید:

فَإِنِّی خَائِفٌ عَلَیْهِمَا مِنْ کَیْدِ الْیَهُود.

من از مکر یهود نسبت به فرزندانم حسن و حسین بیمناکم. (فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه‌السلام، ص۳۲ و بحارالانوار، ج۴۳، ص۳۱۳)

۲. در یکی از زیارت مطلقه امام حسین علیه‌السلام با سند معتبر چنین می‌خوانیم:

وَ اَشْهَدُ اَنَّ الَّذینَ سَفَکُوا دَمَکَ، وَ اسْتَحَلُّوا حُرْمَتَکَ، مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ عَلی لِسانِ داوُدَ وَ عیسَی بْنِ مَرْیَمَ، ذلِکَ بِما عَصَوْا وَ کانُوا یَعْتَدُونَ. (کامل الزیارات، باب ۷۹، صفحه ۲۰۸، حدیث ۶)

و گواهی می‌دهم که حقّاً آنان که خونت را ریختند و حرمت تو را از بین بردند ملعونند و معذّب هستند بر زبان داوود و عیسی بن مریم و این بخاطر آن گناهی است که کردند و مردمی تجاوزکار بودند.

اکنون سؤال اینجاست که چه کسانی توسط حضرت داوود و عیسی بن مریم سلام‌الله‌علیهما لعنت شده‌اند؟

پاسخ این سؤال نه به کنایه، بلکه صراحتاً در آیه شریفه ۷۸ سوره مبارکه مائده آمده است:

لُعِنَ الَّذِینَ کفَرُوا مِنْ بَنِی إِسْرَائِیلَ عَلَی لِسَانِ دَاوُودَ وَ عِیسَی ابْنِ مَرْیمَ ذَلِک بِمَا عَصَوْاْ وَ کانُواْ یعْتَدُونَ.

کافران از بنی‌اسرائیل به زبان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند، لعنت شدنشان بدین سبب بود که [از فرمان های خدا و پیامبران] سرپیچی کردند، و همواره [از حدود الهی] تجاوز داشتند.

گرچه که این دلیل به تنهایی برای اثبات نقش محوری یهودیان در حادثه‌ی جانسوز عاشورا کافی است اما نظر شما را به مطالعه‌ی سایر مستندات نیز جلب می‌کنیم:

۳. در زیارت شریف عاشورا دعا می‌کنیم:

اَللّهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ...

سؤال این است که اولین کسانی که در حق پیامبر و خاندانش ظلم روا داشتند چه کسانی هستند؟

پاسخ این پرسش در آیه شریفه ۴۱ سوره مبارکه بقره که خطاب به یهودیان عصر پیامبر نازل شده، داده شده است:

وَآمِنُواْ بِمَا أَنزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَکمْ وَلاَ تَکونُواْ أَوَّلَ کافِرٍ بِهِ وَلاَ تَشْتَرُواْ بِآیاتِی ثَمَنًا قَلِیلاً وَإِیای فَاتَّقُونِ.

بدیهی است که بدترین ظلم در حق پیامبر (ص) کفر ورزیدن به نبوت ایشان و کتاب آسمانی ایشان است و این یعنی این‌که مصداق اول ظالم یهودیان هستند.

۴. در زیارت عاشورا می‌خوانیم:

اللّهُمَّ اِنَّ هذا یَوْمٌ تَبَرَّکَتْ بِهِ بَنُو اُمَیَّةَ وَ ابْنُ آکِلَةِ الْاَکْبادِ اللَّعینُ ابْنُ اللَّعینِ عَلی لِسانِکَ وَ لِسانِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ...

سؤال این است: چه کسانی توسط خداوند متعال لعنت شده‌اند؟

پاسخ این سؤال را در آیات ۱۲گانه زیر که همگی درباره‌ی بنی‌اسرائیل و یهود نازل شده‌اند می‌یابیم:

* فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِیثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِیَةً یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُکِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَی خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِیلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُحْسِنِینَ (مائده/۱۳)

* مِنَ الَّذِینَ هَادُوا یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَیَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَیْنَا وَاسْمَعْ غَیْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَیًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِی الدِّینِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَکَانَ خَیْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَکِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِکُفْرِهِمْ فَلَا یُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِیلاً (نساء/۴۶)

* یَا أَیُّهَا الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَکُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ کَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَکَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولاً (نساء/۴۷)

* أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِینَ أُوتُوا نَصِیبًا مِنَ الْکِتَابِ یُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَیَقُولُونَ لِلَّذِینَ کَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا سَبِیلاً أُولَئِکَ الَّذِینَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ یَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِیراً (نساء/۵۲و۵۱)

* قُلْ هَلْ أُنَبِّئُکُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِکَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَیْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِیرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِکَ شَرٌّ مَکَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِیلِ (مائده/۶۰)

* وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ

اللَّهُ بِکُفْرِهِمْ فَقَلِیلاً مَا یُؤْمِنُونَ (بقره/۸۸)

* أُولَئِکَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَیْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِکَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِینَ (آل عمران/۸۷)

* إِنَّ الَّذِینَ یَکْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَیِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَیَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِی الْکِتَابِ أُولَئِکَ یَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَیَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ (بقره/۱۵۹)

* إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ کُفَّارٌ أُولَئِکَ عَلَیْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِکَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِینَ (بقره/۱۶۱)

* وَالَّذِینَ یَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِیثَاقِهِ وَیَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ وَیُفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ أُولَئِکَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (رعد/۲۵)

* وَقَالَتِ الْیَهُودُ یَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَیْدِیهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ یَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ یُنْفِقُ کَیْفَ یَشَاءُ وَلَیَزِیدَنَّ کَثِیرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ طُغْیَانًا وَکُفْرًا وَأَلْقَیْنَا بَیْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى یَوْمِ الْقِیَامَةِ کُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَیَسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُفْسِدِینَ (مائده/۶۴)

* وَلَمَّا جَاءَهُمْ کِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَکَانُوا مِنْ قَبْلُ یَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِینَ کَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا کَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْکَافِرِینَ (بقره/۸۹)

و سؤال دیگر این است که چه کسانی توسط نبی خدا لعنت شده‌اند؟

پاسخ این سؤال را نیز در آیه ۷۸ سوره مبارکه مائده می‌یابیم:

لُعِنَ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ بَنِی إِسْرَائِیلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِیسَى ابْنِ مَرْیَمَ ذَلِکَ بِمَا عَصَوْا وَکَانُوا یَعْتَدُونَ.

۵. در زیارت عاشورا می‌خوانیم:

وَ هَذَا یَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِیادٍ وَ آلُ مَرْوَانَ...

سؤال: در روز عاشورا چه کسانی شادی می‌کنند؟

جواب این پرسش‌ها نیز هر سال در روز عاشورا خودتان می‌توانید بیابید. فقط کافی است که عبارت عید کیپور (یوم کیپور) را سرچ کنید.

عید کیپور عبارت است از سلسله جشن‌هایی که یهودیان در اقصی نقاط جهان و به ویژه در فلسطین اشغالی همزمان در روز عاشورا و شام غریبان برگزار کرده و در آن به رقص و پایکوبی و شراب‌خواری می‌پردازند. و این سنتی است که از سال‌ها قبل از حادثه‌ی کربلا در میان بنی‌اسرائیل رواج داشته است و این است دلیل به تأخیر انداختن حمله به خیمه‌های امام حسین علیه‌السلام، چرا که امام صلوات‌الله‌علیه از اولین روز محرم در کربلا بودند اما سپاه عمر سعد ملعون تا شب عاشورا تصمیم به حمله نگرفت و قرار بود این جنایت شوم در شب عاشورا انجام شود تا فردای آن روز همگان به شادی بپردازند اما با مهلت خواستن سیدالشهدا علیه‌السلام این حمله به صبح عاشورا موکول شد.

۶. خاندان بنی‌امیه یهودی تبارند.

این مطلب را از آیه شریفه ۶۰ سوره مبارکه اسراء و حدیث شریف امام صادق علیه‌السلام که توضیح مفصل آن در مقاله «سقیفه بنی‌اسرائیل» گذشت، نتیجه‌گیری می‌کنیم.

همچنین به کار بردن عبارت «اللّصیق» برای خاندان بنی‌امیه توسط امام علی علیه‌السلام در نامه ۱۷ نهج‌البلاغه خطاب به معاویه، مؤیدی دیگر بر این مطلب است که بنی‌امیه هیچ نسبت خونی با بنی‌هاشم نداشته و اصالتاً رومی و اسرائیلی‌تبار هستند:

وَ اَمّا قَوْلُک اِنّا بَنُوعَبْدِ مَناف، فَکذلک نَحْنُ، وَلکنْ لَیسَ اُمَیةُ کهَاشِم، وَ لا حَرْبٌ کعَبْدِ الْمُطّلب، وَ لا اَبُوسُفْیانَ کاَبی طالب، وَ لاَ الْمُهاجِرُ کالطّلیقِ، وَ لاَ الصَّریحُ کاللّصیقِ، وَ لاَ الْمُحِقُّ کالْمُبْطِلِ، وَ لاَ الْمُؤْمِنُ کالْمُدْغِلِ. وَ لَبِئْسَ الْخَلَفُ خَلَفٌ یتْبَعُ سَلَفاً هَوی فی نارِ جَهَنَّمَ!

و [ای معاویه] این‌که گفتی: «ما از فرزندان عبدمنافیم» آری ما هم چنین هستیم، ولی با این فرق که نه امیه مثل هاشم است، نه حرب همچون عبدالمطّلب، و نه ابوسفیان مانند ابوطالب، و نه مهاجر الی اللّه چون اسیر آزاد شده، و نه فرزند اصل و نسب دار چون فرزند

منسوب به پدر، و نه اهل حق مانند اهل باطل، و نه مؤمن چون مفسد. و چه بازماندگان بدی هستند آنان که تابع گذشتگان جهنّمی خود می‌باشند!

۷. یزید بن معاویه لعنةالله‌علیهما از مشاورین یهودی در دربار خود استفاده می‌کرده است. (کتاب شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، آیت الله جوادی آملی)

۸. حرمت ماه‌های حرام را حتی اعراب جاهلی هم نگاه می‌داشتند و این یهود بوده‌اند که در طول تاریخ از خون‌ریزی در ماه حرام هیچ ابایی نداشته بلکه به نظر می‌رسد این کار را راهی برای تقرب بیشتر به ابلیس می‌دانند. و آخرین سند آن هم آغاز جنگ ۲۲ روزه در زمستان ۱۳۸۷ و جن

۹. جنایاتی همچون بستن آب به روی زنان و کودکان، به آتش کشیدن سرپناه خانواده‌ها، به صلیب کشیدن وهب، هدیه فرستادن سرهای قطع شده، اسب تازاندن بر پیکر شهدا و... اعمال کثیفی است که در طول تاریخ از این قوم پلید و هم‌پیمانان آنان سرزده است.

این حدیث شریف امام حسین علیه‌السلام که در هنگام هجرت از مدینه به سمت مکه خطاب به عبدالله بن عمر فرمودند از جمله مؤیدات این سابقه‌ی تاریک و ننگین است:

آیا نمی‌دانی که بنی‌اسرائیل از طلوع فجر تا طلوع آفتاب هفتاد پیامبر را می‌کشتند سپس در بازارهای خود نشسته همگی به خرید و فروش می‌پرداختند آن‌چنان که گویی اتفاقی نیفتاده است؟! و سر یحیی بن زکریا را بریده و به عنوان هدیه به پیش زنی بدکاره فرستادند؟! (لهوف، سید بن طاووس)

با توجه به آنچه گذشت، وقتی به امام حسین علیه‌السلام عرض می‌کنیم: «انی ... حرب لمن حاربکم ... و عدو لمن عاداکم» منظورمان جنگیدن و دشمنی با چه کسانی است؟

براستی انتقام خون سیدالشهدا علیه‌السلام را از چه کسانی باید ستاند؟

اگر عاملین جنایت سقیفه، شهادت پیامبر (ص)، شهادت حضرت زهرا (س)، امام حسین (ع) و... از بین رفته‌اند پس چرا این‌قدر به ما تأکید شده است که زیارت عاشورا بخوانید و عزاداری کنید؟

اگر عاملین جنایات مذکور به درک واصل شده‌اند دلیلی وجود ندارد که حدود چهار ماه از سال را به مناسبت‌های مختلف عزاداری کنیم تا جایی که حتی شب جمعه، صبح جمعه، شب عید قربان، صبح عید قربان، شب عید غدیر، صبح عید غدیر، شب عید فطر، صبح عید فطر قرائت زیارت عاشورا سفارش شده است!!

دشمنی یهود با اسلام به قبل از دوران اسلام و به روحیه‌ی مادی‌گرا و قدرت‌طلب آنها بازمی‌گردد که سبب شد در دین مسیحیت تحریف ایجاد کنند و به قتل پیامبران الهی اقدام کنند. مهم‌ترین وجوه دشمنی یهود با اسلام به این قرار است: ۱باتوجه به شناخت یهود از اسلام، اساساً جای‌گیری آنها در مدینه برای محافظت از قدس در مقابل اسلام بود؛ درحالی‌که اگر آنها قصد ایمان آوردن به پیامبر (ص) را داشتند، باید در مکه ساکن می‌شدند. ۲یهودتلاش کرد تا پیامبر (ص) متولد نشود؛ لذا به قتل اجداد و پدر ایشان و سپس خود آن حضرت همت گمارد تا آن‌جا که عبدالمطّلب مجبور شد برای حفظ جان پیامبر (ص)، او را به دایه‌ای بیرون از مکه بسپارد. ۳بعداز مهاجرت پیامبر (ص) به مدینه، یهود با آن حضرت همکاری نکرد و ایشان برای جلوگیری از کارشکنی یهود، با آنها پیمان سختی بست که تخلف آن با شمشیر جواب داده می‌شد. ۴درجنگ‌های پیامبر (ص) با کفار به‌ویژه جنگ احد و احزاب، یهود به کفار کمک کردند. ۵یهود مدینه از هیچ تلاشی برای مقابله روانی و فرهنگی با اسلام پرهیز نکرد؛ مانند تمسخر و تضعیف روحیه مسلمانان و موضوع تغییر قبله. ۶هرسه قبیله مدینه که با پیامبر (ص) پیمان بسته بودند، پیمان‌شکنی کردند و آن حضرت به‌شدت، عهدشکنی آنها را پاسخ داده و از مدینه اخراجشان کرد. ۷مهمترین از همه این موارد، آیه شریفه قرآن، کامل‌ترین سخن است:

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُواْ الْيَهُودَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُواْ (مائده/۸۲)؛ یهود و مشرکان را شدیدترین و دشمن‌ترین مردم نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند، می‌یابی.

این‌که یهودیان به‌دنبال ترور خاندان نبوت صلوات الله علیهم اجمعین از جمله امام حسین علیه‌السلام بوده‌اند را می‌توان از این حدیث شریف نبوی که در دوران خردسالی حسنین علیهماالسلام ایراد شده است فهمید: من از مکر هود نسبت به فرزندانم حسن و حسین بیمناکم. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه‌السلام،(ص۳۲ و بحارالانوار، ج۴۳، ص۳۱۳)

در یکی از زیارت مطلقه امام حسین علیه‌السلام با سند معتبر چنین می‌خوانیم: « و اَشْهَدُ اَنَّ الَّذینَ سَفَکُوا دَمَکَ، وَ اسْتَحَلُّوا حُرْمَتَکَ، مَلْعُونُونَ مُعَذَّبُونَ عَلی لِسانِ داوُدَ وَ عیسَی بْنِ مَرْیَمَ، ذلِکَ بِما عَصَوْا وَ کانُوا یَعْتَدُونَ». (کامل الزیارات، باب ۷۹، صفحه ۲۰۸، حدیث ۶) و گواهی می‌دهم که حقّاً آنان که خونت را ریختند و حرمت تو را از بین بردند ملعونند و معذّب هستند بر زبان داوود و عیسی بن مریم و این بخاطر آن گناهی است که کردند و مردمی تجاوزکار بودند. اکنون سؤال اینجاست که چه کسانی توسط حضرت داوود و عیسی بن مریم سلام‌الله‌علیهما لعنت شده‌اند؟ پاسخ این سؤال نه به کنایه، بلکه صراحتاً در آیه شریفه ۷۸ سوره مبارکه مائده آمده است: « لعِنَ

الَّذِينَ كفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِک بِمَا عَصَوْا وَ كانُوا يعْتَدُونَ». کافران از بنی‌اسرائیل به زبان داود و عیسی بن مریم لعنت شدند، لعنت شدنشان بدین سبب بود که [از فرمان های خدا و پیامبران] سرپیچی کردند، و همواره [از حدود الهی] تجاوز داشتند.

در زیارت شریف عاشورا دعا می‌کنیم: «اللّهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ... » سؤال این است که اولین کسانی که در حق پیامبر و خاندانش ظلم روا داشتند چه کسانی هستند؟ پاسخ این پرسش در آیه شریفه ۴۱ سوره مبارکه بقره که خطاب به یهودیان عصر پیامبر نازل شده، داده شده است: وآمِنُواْ بِمَا أَنزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ وَلاَ تَكُونُواْ أَوَّلَ كافِرٍ بِهِ وَلاَ تَشْتَرُواْ بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلاً وَإِيايَ فَاتَّقُونِ. بدیهی است که بدترین ظلم در حق پیامبرصلی الله علیه وآله و سلم کفر ورزیدن به نبوت ایشان و کتاب آسمانی ایشان است و این یعنی این‌که مصداق اول ظالم یهودیان هستند.

در زیارت عاشورا می‌خوانیم: « اللّهُمَّ اِنَّ هذا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو اُمَيَّةَ وَ ابْنُ آكِلَةِ الْاَكْبادِ اللَّعينُ ابْنُ اللَّعينِ عَلى لِسانِکَ وَ لِسانِ نَبِيِّکَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ... » سؤال این است: چه کسانی توسط خداوند متعال لعنت شده‌اند؟ پاسخ این سؤال را در آیات دوازده گانه زیر که همگی درباره‌ی بنی‌اسرائیل و یهود نازل شده‌اند می‌یابیم:

۱. « فبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (مائده/۱۳)

پس آنان را به علت پیمان شکنی [از رحمت خود] راندیم، و دل هایشان را [از پذیرش حق] سخت [و غیر قابل انعطاف] قرار دادیم [تاجایی ک

ه] پیوسته سخنان [حق] را از جایگاه های حقیقی اش [برای گمراه ماندنِ مردم] تغییر می دهند، و بخشی از آنچه [از معارف تورات] را که به وسیلهٔ آن پند داده شدند به فراموشی سپرده [و نادیده گرفتند]، و همواره از کارهای خائنانهٔ آنان جز اندکی از ایشان [که وفادار به پیمان خدایند] آگاه می شوی، پس [تا آمدن حکم جهاد] از آنان بگذر! و [از مجازاتشان] چشم پوشی کن؛ زیرا خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

۲. «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلاً» (نساء/۴۶)

برخی از یهودیان، حقایق [کتاب آسمانی تورات] را [با تفسیرهای نادرست] از معانی [اصلی]اش تغییر می دهند، و [به پیامبر] می گویند: [دعوتت را] شنیدیم، ولی [در باطن می گویند:] نافرمانی می کنیم. [و خطاب می کنند: سخن ما را] بشنو، که [ای کاش] نشنوی! و [می گویند:] «راعِنا». [یعنی: ما را رعایت کن.] اما با پیچ وخم دادنِ زبان [قصد می کنند معنای آن را جهت توهین به پیامبر] و طعنه زدن به دین [تغییر دهند]، اگر اینان [به جای توهین و تحریف و بازیگری] می گفتند: [دعوتت را به گوشِ قبول] شنیدیم و پایبند به اطاعت شدیم، و [سخنانمان را] بشنو و مهلتمان ده. برای آنان بهتر و [راهی] استوارتر بود، ولی خداوند به سبب کفرشان لعنتشان کرده، و جز عده ای اندک مؤمن نمی شوند.

۳. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولاً »(نساء/۴۷)

۴. ای اهل کتاب! به آنچه [بر پیامبر] نازل کرده ایم که گواهی دهنده [حقانیت تورات و انجیلِ] همراه شماست ایمان آورید، پیش از آن که چهره هایی را [از صورت واقعی انسانی و انسانیت] محو کنیم، و [به کیفر تکبّر در برابر قرآن و پیامبر] به [تاریکی باطن و گمراهی غیر قابل جبران] پیشین آنان بازگردانیم، یا چنان که اصحاب سَبت [روز شنبه] را لعنت کردیم لعنتشان کنیم؛ فرمان [و خواست] خداوند همواره شدنی است

۵. «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلاً أُولَئِکَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيراً »(نساء/۵۲و۵۱)

۶. قلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِکَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِکَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ» (مائده/۶۰)

۷. «وقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلاً مَا يُؤْمِنُونَ» (بقره/۸۸)

۸. «أُولَئِکَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (آل عمران/۸۷)

۹. «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِکَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» (بقره/۱۵۹)

۱۰. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِکَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ »(بقره/۱۶۱)

۱۱. « والَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (رعد/۲۵)

۱۲. «وقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيراً مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ »(مائده/۶۴)

۱۳. « ولَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ»(بقره/۸۹)

سؤال دیگر این است که چه کسانی توسط نبی خدا لعنت شده‌اند؟

پاسخ این سؤال را نیز در آیه ۷۸ سوره مبارکه مائده می‌یابیم: « لعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ».

خاندان بنی‌امیه یهودی تبارند. این مطلب را از آیه شریفه ۶۰ سوره مبارکه اسراء و حدیث شریف امام صادق علیه‌السلام که توضیح آن در ادامه می آید، بیان می کنیم؛

از جمله حقایق تلخی که در طول تاریخ بر آن سرپوش نهاده شده است و تقریباً در کتب تفسیر و تاریخ اثر چندانی از آن دیده نمی‌شود نقش یهودیان در غصب خلافت امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه و ماجرای سقیفه است.

البته تعداد اندکی از اساتید محترم و دانشمندان به این مقوله پرداخته‌اند اما در تحلیل‌های ایشان بیشتر گمانه‌زنی‌ها و مؤیدات تاریخی دیده می‌شود.

مهمترین دلیل و سند ما در اثبات این امر آیه ۶۰ سوره مبارکه اسراء می‌باشد:

وَ إِذْ قُلْنَا لَکَ إِنَّ رَبَّکَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَ مَا جَعَلْنَا الرُّؤيَا الَّتِی أَرَيْنَاکَ إِلاَّ فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِی الْقُرْآنِ وَ نُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلاَّ طُغْيَانًا کَبِيراً.

به تو گفتیم: یقیناً پروردگارت [از هر جهت] به مردم احاطهٔ [کامل] دارد، و آن خوابی را که به تو نشان دادیم، و نیز درختِ نفرین شدهٔ در قرآن را [که بنی‌امیه و دیگر طاغیانند،] جز آزمایشی [بزرگ] برای مردم قرار ندادیم، و ما آنان را [از فرجام شرک و کفر] می‌ترسانیم، ولی بر آنان جز طغیانی بزرگ نمی‌افزاید.

شأن نزول این آیه براساس منابع تاریخی شیعه و سنی (خطیب بغدادی، ترمذی، ابن جریر، طبری، بیهقی، ابن مردویه و مرحوم ثقةالاسلام کلینی صاحب کتاب شریف کافی) مربوط است به رؤیای معروف پیامبر که ایشان در خواب مشاهده فرمودند که بوزینگان بر منبر مبارکشان نشسته‌اند.

از آن‌جا که منبر در آن دوران صرفاً مکانی برای جلوس پیامبر و جانشینان ایشان بوده است؛ دیدن این خواب به معنای هشداری جدی در خصوص در معرض خطر قرار گرفتن خلافت و جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است. پر واضح است که پیامبر بعد از دیدن چنین خواب تلخی شدیداً نگران آینده اسلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام شده‌اند.

در پی این واقعه آیه ۶۰ سوره مبارکه اسراء نازل شد که در این آیه خداوند متعال می‌فرماید این رؤیا را به تو نشان ندادیم مگر به دو هدف:

۱. آزمایش مردم

یعنی این‌که بعد از نقل این هشدار جدی و تکان‌دهنده برای عموم مردم آیا عموم مسلمانان نسبت به ایجاد انحراف در قضیه خلافت امیرالمؤمنین علیه‌السلام عکس‌العمل مناسبی نشان می‌دهند یا نه؟

۲. این‌که چهره واقعی همان قبیله‌ای که در قرآن لعنت شده است را به تو نشان دهیم. (یکی از معانی شجره، قبیله و خاندان می‌باشد).

حال سؤال مهم اینجاست: این کدام قبیله است که در قرآن مورد لعن قرار گرفته است؟

فهمیدن جواب این سؤال کار سختی نیست زیرا قرآن ۶۰۴ صفحه بیشتر ندارد و با یک شمارش ساده می‌توان به این حقیقت پی برد که این قوم بنی‌اسرائیل است که در قرآن حدود ۹ بار مورد لعن قرار گرفته است (از جمله آیه ۶۰ و ۷۸ سوره مبارکه مائده) پس به وضوح مشخص است که خداوند متعال در آیه ۶۰ سوره مبارکه اسراء نسبت به خطر جدی اسرائیلی‌های آن زمان در امر غصب خلافت امیرالمؤمنین هشدار می‌دهد.

شاید این حدیث شریف از امام صادق علیه‌السلام را بارها شنیده باشید که در جواب فردی که از معنای"الشجرة الملعونة فی القرآن"از ایشان سؤال نمود؛ فرمودند:«منظور بنی امیه است» (تفسیر نور، تفسیر تبیان، تفسیر لاهیجی)

حال به نظر شما از کنار هم قرار دادن این احادیث و آیه ۶۰ سوره اسراء به چه نتیجه‌ای می‌رسیم؟

تردیدی نیست که تنها قوم بنی‌اسرائیل در قرآن بارها لعنت شده‌اند و همچنین در صحت حدیث مذکور هم تردیدی وجود ندارد پس به نظر می‌رسد قبیله ی بنی‌امیه از نسل بنی‌اسرائیل هستند و هیچ‌گونه نسبت خویشاوندی با بنی‌هاشم ندارند. روایت مهمی که خویشاوند نبودن بنی‌امیه و بنی‌هاشم را تأیید می‌کند در جلد ۳۱ بحارالانوار صفحه ۴۵۸ آمده است.

در این روایت ذکر شده است که امیه فرزند عبد شمس نبوده بلکه غلامی رومی بود که بعدها به‌علت زیرکی با عنوان فرزندخوانده موفق به نفوذ در قبیله قریش شد و با توجه به این‌که در آن زمان فرزندخوانده هم مانند سایر فرزندان بوده است در طول تاریخ، بنی‌امیه به عنوان برادران بنی‌هاشم معروف شدند. مانند کودکی که از پرورشگاه توسط خانواده‌ای دریافت شود و به فرزندی پذیرفته گردد، گرچه که این فرزند نسبت خونی با خانواده جدید ندارد اما از تمام شرایط یک فرزند واقعی برخوردادر می‌گردد.۱

همچنین به کار بردن عبارت «اللّصیق» برای خاندان بنی‌امیه توسط امام علی علیه‌السلام در نامه ۱۷ نهج‌البلاغه خطاب به معاویه، مؤیدی دیگر بر این مطلب است

که بنی‌امیه هیچ نسبت خونی با بنی‌هاشم نداشته و اصالتاً رومی و اسرائیلی‌تبار هستند: «و اَمّا قَوْلُک انّا بَنُوعَبْدِ مَناف، فَکذلک نَحْنُ، وَلکنْ لَیسَ اُمَیةُ کهَاشِم، وَ لا حَرْبٌ کعَبْدِ الْمُطَّلِب، وَ لا اَبُوسُفْیانَ کاَبی طالب، وَ لاَ الْمُهاجِرُ کالطَّلیقِ، وَ لاَ الصَّریحُ کاللَّصیقِ، وَ لاَ الْمُحِقُّ کالْمُبْطِلِ، وَ لاَ الْمُؤْمِنُ کالْمُدْغِلِ. وَ لَبِئْسَ الْخَلَفُ خَلَفٌ یتْبَعُ سَلَفاً هَوی فی نارِ جَهَنَّمَ! » و [ای معاویه] این‌که گفتی: «ما از فرزندان عبدمنافیم» آری ما هم چنین هستیم، ولی با این فرق که نه امیه مثل هاشم است، نه حرب همچون عبدالمطّلب، و نه ابوسفیان مانند ابوطالب، و نه مهاجر الی اللّه چون اسیر آزاد شده، و نه فرزند اصل و نسب دار چون فرزند منسوب به پدر، و نه اهل حق مانند اهل باطل، و نه مؤمن چون مفسد. و چه بازماندگان بدی هستند آنان که تابع گذشتگان جهنّمی خود می‌باشند!

"نقش یهود در واقعه خونین کربلا:

شفیعی سروستانی که سالها سابقه پژوهش با موضوع مهدویت و دشمن شناسی را دارد، با تاکید بر این نکته که درواقع موسس دین اسلام حضرت ابراهیم خلیل الرحمان - علیه السلام- می باشد.درگام دوم بابعثت نبی اکرم صلی الله علیه واله اسلام تمام قد شکوفا وبه ظهور رسید.

شفیعی سروستانی افزود: در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام نقشه کلی الهی درباره اینده بشریت تا فصل ظهوروتاسیس دولت جهانی صالحان بیان شد و با چند عمل وحرکت پایه های اولیه ان بنا نهاده شدوبه یادگار ماند اما درهمین مقطع ازتاریخ با دسیسه وتحریف یهود روبروشد.

ماجرای ذبح حضرت اسماعیل یک نقطه کلیدی در شناسایی و تحلیل وضع گذشته وموجود است. اما یهود با هدف منحرف کردن این نقشه کلی الهی، موضوع ذبح را ازجناب اسماعیل به حضرت اسحاق (ع) منتسب کردند.

نکته دوم این است که واقعه ذبح به استناد منابع ومتون درمنا ودرسرزمین مکه رخ می دهد، اما یهود با تحریف این موضوع دوم محل واقعه را در بیت المقدس اعلام کردند.

نکته سوم بازسازی خانه کعبه توسط ابراهیم و اسماعیل (ع) است.ایشان بدین وسیله مرکز دین جهانی را مشخص کردند. اما باز هم یهود باتحریف وقایع وتاریخ ,اورشلیم رامرکز حکومت جهانی معرفی کردند.

در آن عصر,حضرت اسماعیل (ع) درمسجدالحرام ودر حجر اسماعیل دفن شدند تا قطب حکومت جهانی بنی اسماعیلی مشخص شود. اما می بینیم که در گوش نسل در نسل بنی اسراییل خوانده می شود که مرکزحکومت جهانی اورشلیم وقربانگاه معبد سلیمان است.ازاین رو وبه قصد تاسیس حکومت جهانی ظالمانه بنی اسراییلی سعی دربازسازی معبد اورشلیم می شود ومقدمات نبرد آرمگدون فراهم می اید و سایر مسائلی که امروز مسیحیت و یهودیت صهیونیستی درباره اش تلاش می کنندو بر آن تاکید دارند.

ایشان دربخشی دیگر بیان داشت:

بنی اسرائیل از زمان حضرت عیسی (ع) تا زمان بعثت نبی گرامی اسلام ۶۰۰ سال فرصت داشتند تا خود را برای استقبال از پیامبر آخرالزمان آماده کنند اما این حسدچرا که تاسیس حکومت جهانی در آخرالزمان توسط بنی اسماعیل منتقل می شود باعث شد تمام قوایشان را برای جلوگیری از تولد پیامبر آخرالزمان وشکل گیری اسلام وموفقیت اوصیای پیامبر اکرم (ص)به کار گیرند.

مدیر مسئول موسسه موعود گفت: آنچه امروز در خاورمیانه، در سوریه و فلسطین شاهد هستیم چیزی جدای از این نقشه ی محرف بنی اسرائیل نیست. بنی اسرائیل سعی می کند با غصب موقعیت ها ی بنی اسماعیل, مسیر تاریخ را عوض کنند و از غفلت های مسلمانان در برهه های مختلف تاریخ نهایت بهره را ببرند.

وی در خاتمه تاکید کرد: اگر عید قربان و غدیر و ایام محرم باعث تذکر نشود و راز شهادت امام حسین (ع) افشا نشود، این مراسم ها چیزی جز استخوان سبک کردن و بیان خواسته های کوچک نیست. در واقعه ی عاشورا یزید اصل نیست. او فقط یک عمله ی ظلمه است و باید دنبال عامل اصلی واقعه عاشورا گشت وردعمل انان رادرطول تاریخ کشف کرد.

در امتداد نشست حجت‌الاسلام و المسلمین منصوریان دامغانی پژوهشگر تاریخ اسلام سخنرانی فرمودند:

منصوریان دامغانی در ابتدای سخنانش به سه نظر عمده در خصوص نقش یهود در وقایع صدر اسلام اشاره کرد و گفت: عده ای هستند که نقش یهود را در حوادث بی تاثیر می دانند، دسته دوم آنهایی هستند که برای یهود نقش جزئی قائل اند و دسته سوم که بر اساس آیات و روایات ریشه اصلی خیانت ها و جنایت های صدر اسلام را ناشی از انحرافات یهود می دانند.

این پژوهشگر تاریخ اسلام ادامه داد: از واقعه غدیر خم و بیعت کردن مسلمین با حضرت علی (ع) تا غصب خلافت حدود ۷۰ روز فاصله وجود دارد. معمولا مباحث غصب خلافت محدود می شود به رقابت های قبیله ای و حسادت چند نفر خاص، اما در خصوص جامعه و سکوت آنها چه می توان گفت؟ آیا این انقلاب فکری که در مردم واقع شد بی دلیل بود؟

به واقع شدن ماجرا وفرمان منع حدیث پس از رحلت نبی اسلام اشاره کرد و اظهار داشت: این منع حدیث برای تمامی اشخاص نبود، و کسانی که سوگیری ضد علوی داشتند آزاد بودند. کسانی چون کعب الاحرار و ابوحریره که یهودی الاصل بودند راویان حدیث می شوند و حدود ۶۰۰۰ حدیث از ابوحریره نقل می شود در حالی که بر اساس برخی روایات ابوحریره اصلا پیامبر را درک نکرده بود.

با اشاره به ریشه دشمنی هابه حدیثی از امام حسین(ع) اشاره کرد و گفت: «در روز عاشورا امام حسین در خطبه ای بیان می دارند: می دانید منشأ این جنگ داخلی چیست؟ می دانید چه کسی شما را وادار کرده که این آتش مشتعل را شعله ور کنید؟ کسی که دشمن مشترک من و شماست «و حششتم علینا نار الفتن التی خبأها عدوّکم و عدوّنا»(فرمود: الان شما باد می زنید به آتش فتنه که این آتش را دشمن مشترک من و شما ایجاد کرده.)

منصوریان دامغانی در ادامه گفت: حال این دشمن کیست؟ معمولا دشمن اصلی در ذهن ما یزید ترسیم می شود در حالی که ما در زیارت عاشورا اینگونه می خوانیم: اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی و ابدا به اولا ثم الثانی و الثالث و الرابع اللهم العن یزید خامسا و العن عبید الله بن زیاد وابن مرجانهٔ و عمر بن سعد و ...

اینجاست که می بینیم یزید نفر پنجم لعن است و «اول ظالم» با تمام ظالمان متفاوت است. ما باید به این کلید واژه های قرآنی و ادعیه دقت کنیم. در زیارت عاشورا ما حدود ۳۰ سلام و ۶۰ لعن داریم و این یعنی اهمیت دشمن شناسی در برابر دوست شناسی. چرا که اگر دشمن را به دوستان نشناسانیم، اتفاقات صدر اسلام تکرار می شود چه بسا که دوستان تبدیل به دشمن شوند.

بخش بعدی زیارت عاشورا, تصویر کردن عظمت واقعه عاشوراست و فقره سوم، لعن است که در آن دشمن شناسی آغاز می شود. در این بخش ۴ گروه لعن می شوند:

۱- فلعن الله امهٔ اسست اساس الظلم و الجور علیکم اهل‌البیت: امت در لغت عربی به معنی سازمانی است که امام و رهبر دارد. کوفه چون امت نبود و ولایت نداشت، مورد سوء استفاده قرار گرفت و تا آخر تاریخ درمیان هر امتی که ولی و رهبر نداشته باشد همین اتفاق برایش می افتد.

۲-و لعن الله امهٔ دفعتکم عن مقامکم و ازالتکم عن مراتبکم الّتی رتبکم الله فیها

۳-و لعن الله امهٔ قتلتکم

۴- و لعن الله الممهدین لهم بالتمکین من قتالکم

وی همچنین با اشاره به فقره چهارم زیارت عاشورا که شامل لعن شخصیت های حقوقی مثل آل زیاد، آل مروان و... است گفت در این زیارت دشمن لایه لایه معرفی می شود و می بینیم که قاتل امام که شمر است در لایه دهم قرار دارد.

افزود: در قرآن دشمنان مسلمانان بارها معرفی شده اند. گروه اول مشرکان، گروه دوم منافقان و گروه سوم یهود و نصاری هستند.

اگر دقت کنیم می بینیم که حدود یک ششم از آیات قرآن به بنی اسرائیل اختصاص دارد و این تاکید ناشی از میزان ضربه زننده بودن این دشمن است که باید مورد توجه قرار گیرد. و غفلت اصلی نیز از همین نقطه است. منافقان در واقع پیاده نظام این گروه هستند و در صدر اسلام نیز ضربات اصلی از توطئه های یهود و نصاری به دین وارد شد.

*برتری جویی یهود نسبت به مسلمانان در چه زمانی بود

با اشاره به آیه ۴ سوره اسراء، ادامه داد: در این آیه «وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا» اشاره می‌کند که یهود دو بار در برتری‌جویی نسبت به مسلمانان قرار می‌گیرد و فساد می‌کند، علامه طباطبایی به نقل از تفسیر شریف قرآن بیان می‌کند که بنی اسرائیل روی زمین ۲ بار فساد می‌کند و علوجویی و برتری نسبت به مسلمانان پیدا می‌کنند، در روایتی از امام

صادق نقل شده است که این برتری جویی یهود یک بار در ماجرای شهادت علی‌بن ابیطالب(ع)، دوم در سوءقصد جراحت به امام حسن(ع) و سوم شهادت امام حسین(ع) که در «تفسیر نورالثقلین» جلد دوم و در کتاب «کامل‌الزیارات» نقل شده است، همچنین مرحوم کلینی در کتاب «کافی» جلد ۸ صفحه ۲۰۶ بیان می‌کند که «یهود» دشمن اصلی پیامبر(ص)ف امیرالمومنین(ع) و در نهایت دشمن اصلی امام زمان(عج) است، در واقع درگیری شیعه با دنیای امروز با یهود است.

فرازهای مهم زیارت عاشورا/ لعن شمر در زیارت عاشورا مرتبه دهم نفرین است

زیارت عاشورا یک حدیث قدسی است و از امام باقر و امام صادق(ع) روایت شده است، مجموعه‌ای از کلمات کلیدواژه هستند از جمله سلام، لعن، حرب و سلم، به طوری که «لعن» و مترادف‌هایش ۶۰ کلمه، «سلام» و مترادفاتش ۳۰ کلمه است که رابطه دو به یک دارند و این نشان از تأکید خداوند بر دشمن‌شناسی دارد.

منصوری با اشاره به فقره‌های مهم زیارت عاشورا اذعان داشت: در فقره اول سلام مطرح می‌شود «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَباعَبْداللّه اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللّه اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَةَ اللّه ...»، در فقره دوم طرح عظمت حادثه عاشورا «لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِیَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ الْمُصیبَةُ بِکَ عَلَیْنا وَ عَلی جَمیعِ اَهْلِ الاِسْلام...» و در فقره سوم اولین لعن با طرح دشمن‌شناسی «فَلَعَنَ اللّهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَساسَ الظُّلْمِ» شروع می‌شود، در فقره چهارم هم لعن‌های بقیه شروع می‌شود «وَ لَعَنَ اللّهُ آلَ زِیادٍ وَ آلَ مَرْوانَ وَ لَعَنَ اللّهُ بَنی اُمَیَّةَ قاطِبَةً وَ لَعَنَ اللّهُ ابْنَ مَرْجانَةَ..»، پس می‌توان گفت زیارت عاشورا سند استراتژیک شیعه است.

با اشاره به اینکه شمر ملعون در رده دهم لعن زیارت عاشورا قرار گرفته است، به واکاوی لعن‌های مطرح شده در زیارت عاشورا پرداخت و گفت: قرآن ۳ گروه مختلف را به عنوان دشمن پیامبر و اسلام یاد کرده است گروه اول مشرکان «تَبَّتْ یَدَا أَبِی لَهَبٍ وَتَبَّ ...»، گروه دوم منافقان هستند که در سوره «منافقون» به ترسیم ویژگی‌های آن‌ها پرداخته است، در واقع منافقان ظاهرالاسلام باطن‌الکفر هستند، دسته سوم نیز یهودیان و نصرا هستند که خداوند در آیه «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ لاَ تَتَّخِذُواْ الْیَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِیَاء بَعْضُهُمْ أَوْلِیَاء بَعْضٍ وَمَن یَتَوَلَّهُم مِّنکُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللّهَ لاَ یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ» به آن اشاره می‌کند.

*هزار آیه درباره یهود در قرآن کریم

با بیان اینکه قرآن ۶هزار و ۲۳۶ آیه دارد که بیش از یک‌هزار آیه در مورد یهود و نصاری صحبت می‌کند وحدود یک ششم قرآن مربوط به آیه یهود و نصاری و حداقل در هر صفحه‌ای یک آیه در رابطه با یهود صحبت می‌کند، خداوند در قرآن کریم لفظ کفر را برای یهود و نصارا به کار برده، همچنین با توجه به ارتباط معنایی قرآن، مشرکان را نیز کافر قلمداد می‌کند.

با اشاره به اینکه واژه «مغضوب» در سوره «حمد» به یهود و «ضالین» به نصاری اذعان دارد، خاطر نشان کرد: در کتاب «بصائر الدرجات» در روایتی ذکر شده است که پیامبر اکرم(ص) را یک زن یهودی مسموم کرده است و در روایتی دیگر از امام حسن(ع) نقل شده است که «من را مانند جدم می‌کشند»، شیخ طوسی در ذیل آیه «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِینَ آمَنُواْ الْیَهُودَ وَالَّذِینَ أَشْرَکُواْ...» بیان کرده است که یهود مشرکین را به عنوان پیاده نظام خود در مقابل مسلمانان قرار می‌دهد.

*پدر پیامبر(ص) بارها از سوی یهود در معرض ترور قرار گرفت

اسرائیل تلاش کردند که از بنی اسماعیل پیامبری به وجود نیاید، همچنین در روایت دیگر ذکر شده است که «عبدالله» پدر پیامبر(ص) بارها از سودی یهودیان مورد ترور قرار گرفت. در «بحارالانوار» جلد ۱۵ صفحه ۴۸ بیان شده است که حضرت عبدالمطلب و ابوطالب برای پیامبر(ص) حالت محافظ شخصی داشتند، این در حالی است که هنوز پیامبر به رسالت مبعوث نشده بود

آیا یهودیان و مسیحیان در ایجاد حادثه عاشورا و شهادت امام حسین(ع) نقش داشتند؟

پرسش:

آیا این مطلب صحت دارد که یهودیان به یزید در مورد جنگ با امام حسین(ع) مشورت داده‌اند و هدفشان از بین بردن امامت و مخصوصاً جانشینی آن‌حضرت بوده است؟ (به همین دلیل امام حسین(ع) نام پسرانشان را تماماً علی می‌گذاشتند تا از فتنه‌ای در آینده- ازبین بردن جانشین- جلوگیری کنند) به‌گونه‌ای که یزیدیان بعد از به شهادت رساندن حضرت علی اکبر(ع) به خیال خود جانشین امامت را از بین برده‌اند؟!

پاسخ اجمالی:

در این زمینه باید گفت که یهودیان در آن هنگام جایگاهی بسیار منفی در جامعه اسلامی داشته و حتی حاکمان جور نیز در ارتباط با آنها محتاط بودند و در همین راستا گزارشی وجود ندارد که به نقش یهودیان در واقعه کربلا بپردازد، اما گزارشهایی وجود دارد که مشاوری مسیحی در برخی تصمیم‌گیری‌های یزید نقش داشته است. برای نمونه؛ یزید پس از مرگ معاویه قصد داشت عبیدالله بن زیاد را از حکومت بصره بردارد؛ ولی گویا اوضاع وخیم سیاسی بصره و کوفه اجازه این کار را به او نداد. با آغاز قیام امام حسین(ع) و اعزام مسلم بن

عقیل به کوفه، عبیدالله که سابقه خشونت وی و پدرش در سرکوب شورش‌ها و جنبش‌ها مشهور بود، در سال ۶۰ق با حفظ سمت به ولایت کوفه منصوب گشت. گفته‌اند که یزید به پیشنهاد سرجون مسیحی، که از مشاوران یزید بود، دست به این اقدام زده است تا با قیام امام حسین(ع) مقابله کند.[۱]

البته برخی از این سخن امام حسین(ع) در روز عاشورا که دشمنی مشترک را عامل شعله‌ور کردن جنگ معرفی فرموده[۲] نتیجه گرفته‌اند که این دشمن مشترک مورد اشاره امام، یهود بوده اما با توجه به قرائن پیرامونی موجود در همان سخن، مشخص می‌شود که منظور امام از دشمن مشترک، یزید و اطرافیان او هستند که دشمن مشترک امام و کوفیانی هستند که اکنون در مقابل حضرتشان صف‌آرایی کرده‌اند.

نتیجه گیری

یهود دارای تاریخی بسیار طولانی و پرماجرا در حدود چهارهزار سال می باشد که در این مسیر پرفراز و نشیب هم طعم خوشی و پیروزی را چشیده و هم طعم تلخی و شکست. این قوم پرماجرا از بدو تشکیل اسلام در مدینه، گاه مخفیانه و گاه علنی به دشمنی با پیامبر(ص) پرداختند و به شیوه های مختلف جهت تضعیف حکومت نوپای اسلامی توطئه نمودند.

دشمنی یهود با اسلام به قبل از دوران اسلام باز می‌گردد. این دشمنی به روحیه مادی‌گرا و قدرت‌طلب یهود باز می‌گردد که سبب شد در دین مسیحیت تحریف ایجاد کنند و به قتل پیامبران الهی اقدام کنند که مهم‌ترین وجوه دشمنی یهود با اسلام عبارتند از:

- ✓ با توجه به شناخت یهود از اسلام، اساسا جای‌گیری آن‌ها در مدینه برای محافظت از قدس در مقابل اسلام بود در حالی که آن‌ها اگر قصد ایمان آوردن به پیامبر را داشتند باید در مکه ساکن می‌شدند.
- ✓ یهود تلاش کرد تا پیامبر متولد نشود. لذا به قتل اجداد و پدر ایشان و سپس خود ایشان همت گمارد تا آنجا که عبدالمطلب مجبور شد برای حفظ جان پیامبر، او را به دایه‌ای بیرون از مکه بسپارد.
- ✓ بعد از مهاجرت پیامبر به مدینه، یهود با پیامبر همکاری نکرد و پیامبر برای جلوگیری از کارشکنی یهود با آن‌ها پیمان سختی بست که تخلف آن با شمشیر جواب داده می‌شد.
- ✓ در جنگ‌های پیامبر با کفار به ویژه جنگ احد و احزاب، یهود به کفار کمک کردند.
- ✓ یهود مدینه از هیچ تلاشی برای مقابله روانی و فرهنگی با اسلام پرهیز نکرد؛ مانند تمسخر و تضعیف روحیه مسلمانان و موضوع تغییر قبله.
- ✓ هر سه قبیله مدینه که با پیامبر پیمان بسته بودند، پیمان‌شکنی کردند و پیامبر به شدت عهدشکنی آن‌ها را پاسخ داد و آن‌ها را از مدینه اخراج کرد.

یهود از همان ابتدا در مسیر مبارزه با اسلام قرار گرفت. پس از اینکه نتوانست مانع تولد و رشد پیامبر شود، سیاست نفوذ را در پیش گرفت. آن‌ها قبلا با همین روش دین مسیحیت را تحریف کرده بودند. بر این اساس یهودیانی که به ظاهر مسلمان شده بودند در نظام سیاسی و فرهنگی تبلیغی اسلام نفوذ کردند و به ترویج اندیشه‌های انحرافی یهود پرداختند. جایگاه اجتماعی و علمی یهود در صدر اسلام به پیشبرد اهداف و پذیرش اجتماعی آنها کمک کرد به طوری که امروزه با میراث روایی مواجه هستیم که از آن به اسرائیلیات یاد می-شود. نکته جالب این است که در دوران منع روایت و کتابت حدیث، یهودیان تازه مسلمان شده مانند کعب الاحبار و ابوهریره، با حمایت سیستم خلفا در نقل حدیث آزاد بودند.

در چنین شرایطی که جامعه از تعالیم اسلامی فاصله گرفته است، شهادت فرزند رسول خدا با انگیزه دین روی می‌دهد.

مطالعه تاریخ یهود چه در عصر حضرت موسی و چه بعد از آن و حتی در زمان حضرت داود و سلیمان و بعد از آن تا زمان حضرت عیسی نشان می دهد که در کنار وجود جریان موحد و خدا پرست در بین یهود، جریانی قوی نیز وجود داشته است که گاهی در قالب جبهه نفاق و گاهی به صورت آشکار، کاملا در مقابل جریان حق بوده اند اشاراتی که در قرآن به قتل پیامبران توسط گروهی از آن ها هست و مخالفت هایی که با حضرت موسی و جانشینان ایشان و کارشکنی های آن ها در موقعیت های مختلف و اتهام به پیامبرانی همچون داود و سلیمان ، نشان از وجود چنین جریانی قوی در بین قوم یهود است.

روشن است که این جریان از پیش بینی های تورات و دیگر کتب مقدس درمورد پیامبر اسلام نیز مطلع بوده اند بنابراین در ادامه کارشکنیهای خود در مقابل جبهه حق، سعی در طراحی نقشه هایی متعدد برای مقابله با حرکت پیامبر اسلام نیز داشته اند. وجود برخی شواهد در تاریخ اسلام نشان می دهد که چنین تهدیدی از طرف یهود وجود داشته است که می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- حمله مردانی مسلح به عبدالله پدر گرامی پیامبر زمانی که ایشان برای کاری به بیرون مکه رفته بودند و به طور معجزه آسایی نجات پیدا می کنند. جالب اینجاست که این مردان شبیه هیچ یک از اهالی مکه نبوده اند.
- نهی توسط برخی راهبان مسیحی از بردن پیامبر به شام در سفر تجاری
- سپرده شدن پیامبر به دایه ای به نام حلیمه در حالی که مادر ایشان زنده بوده و بردن پیامبر توسط حلیمه به بیرون از مکه.

این موارد بیانگر وجود تهدید علیه جان پیامبر تا قبل از زمان بعث ایشان بوده است. اما بعد از بعثت ایشان نیز کارشکنیها و مخالفت های یهود به ویژه بعداز هجرت پیامبر به مدینه همواره وجود داشته است که به شکست نیز انجامیده است. اما روشن است که حقد و کینه های این شکست ها توسط یهود به همراه دشمنی های پیشین آن هابا جریان حق موجب می شود که این ها هیچ وقت دست از توطئه و کارشکنی برندارند. بنابراین بعد از پیامبر نیز کارشکنی های اینها در قالب جبهه نفاق تداوم خواهد داشت و شاید به همین خاطر است که در دعای ندبه می خونیم احقادا بدریه و حنینیه و خیبریه. و در کنار کینه های بدر و احد به کینه های چنگ خیبر نیز اشاره شده است در حالی که جنگ خیبر با یهودیان بوده و نه قریش.

از طرفی ارتباط وثیق و محکمی بین بنی امیه به عنوان رقیب و مخالف سرسخت بنی هاشم و بین یهود در تاریخ می بینیم که به مواردی از آن ها اشاره می شود:

- امیه در منافره با هاشم به ده سال تبعید محکوم شد و به شام رفت. در این اقامت، امیه با اهل کتاب آشنا شده و با آنها ارتباط برقرار کرد و از این جاست که بنی امیه علاقه مند به اهل کتاب شام بودند.
- پس از اینکه یهودیان در مقابل بت های قریش سجده کرده و دین آنها را بهتر از دین اسلام نامیدند، در جریان جنگ خندق، بین یهود و ابوسفیان تحالفی انجام شد مبنی بر عداوت با رسول خدا(ص) و همکاری آن دو برای همیشه.
- عالمان یهودی مسلمان شده مانند کعب الاحبار در انتقال قدرت به شام و معاویه تلاش می کردند. کعب الاحبار یهودی با جعل روایاتی مانند اینکه «مولد نبی اسلام در مکه و هجرتش در مدینه و ملکش در شام خواهد بود»، همواره تلاش داشت شام را سرزمینی مقدس معرفی کند. افراد ساده لوح این سخنان را باور کرده و به لشکر شام پیوستند. بدین ترتیب، تعداد لشکر شام به سیصدوپنجاه هزار نفر بالغ گردید.
- نسب بنی امیه اساسا نسبی رومی و یهودی است. براساس برخی روایات، امیه فرزند عبدشمس نبوده، بلکه غلامی رومی بود که بعدها به علت زیرکی، با عنوان فرزندخوانده موفق به نفوذ در قبیله قریش شد و با توجه به اینکه در آن زمان، فرزندخوانده هم مانند سایر فرزندان بوده است، در طول تاریخ، بنی امیه به عنوان برادران بنی هاشم معروف شدند.
- هیچ یک از بزرگان یهودیِ تازه مسلمان شده مانند کعب الاحبار، ابوهریره و عبدالله بن سلام با امام علی(ع) بیعت نکردند؛ بلکه به شام نزد معاویه رفتند.
- در بین مشاوران یزید و عبیدالله مشاورانی یهودی نیز وجود داشته است.

بنابراین می توان گفت که یهود چه در جریان سقیفه و چه در شکل گیری و تحکیم خلافت خلفای سه گانه و چه در استقرار معاویه در شام و قدرت بخشی به این حزب در شام و علم کردن آن ها در مقابل حکومت امام علی (ع) و شهادت امام حسن و شکل گیری حادثه کربلا چه به صورت مستقیم و چه به واسطه حزب اموی نقشی غیر قابل انکار داشته است.

*فهرست منابع مقاله

۱. ابن بابویه، محمدبن علی بن حسین، علل الشرایع، قم، انتشارات داوری،
۲. احمدی، حمید، ریشه های بحران در خاورمیانه، تهران، مؤسسه کیهان، ۱۳۶۹.
۳. ازغندی، علیرضا، روابط خارجی ایران «دولت دست نشانده»۱۳۵۷-۱۳۲۰، تهران، نشر دانش، ۱۳۷۶.
۴. ایوانف، یوری، صهیونیسم، ترجمه ی ابراهیم یونسی، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۵۶.
۵. جدید بناب، علی، تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵.
۶. جدیدبناب، علی، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۷. خاتمی، محمد، فراماسونری(پیرامون سازمان مخفی فراماسونری در ایران و جهان)، تهران، کتاب صبح، ۱۳۷۵.
۸. درینیک، ژان پی یر، خاورمیانه در قرن بیستم، ترجمه ی فرنگیس اردلان، تهران، نشر جاویدان، ۱۳۶۸.
۹. رضوی، مهدی، نیرنگ سازی صهیونیسم، [بی جا]، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۰. روزنامه کیهان، ۱۳۸۰/۷/۱۵ و ۱۳۸۰/۸/۲۰.
۱۱. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت(تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم(ص))، قم، بوستان کتاب ۱۳۸۲.
۱۲. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق(ع)، چاپ اول، ۱۳۷۵، ج۶.
۱۳. سروش نژاد، احمد، صهیونیسم: نوزایی- استقرار- فروپاشی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.
۱۴. شاهمرادی، علی، تاریخ یهود(از آغاز تا تجزیه ی امپراطوری سلیمان(ع))، زنجان، نیکان کتاب، ۱۳۸۳.
۱۵. شیرودی، مرتضی، فلسطین و صهیونیسم، تهیه کننده: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، [بی جا]، نشر مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۱.
۱۶. صلح میرزایی، سعید، فلسطین از منظر حضرت آیت الله العظمی سیّدعلی خامنه ای(مدظلّه العالی)، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۷. فصل نامه ی مصباح، شماره ۹، بهار ۱۳۷۳، مقاله ی ایران خطری برای اسرائیل، نوشته ی اصغر کیوان حسینی.
۱۸. کیّالی، عبدالوهاب، تاریخ نوین فلسطین، ترجمه محمد جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۱۹. المسیری، عبدالوهاب، صهیونیسم، ترجمه ی لواء رودباری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴.
۲۰. مؤسسه مطالعات فلسطینی، سیاست و حکومت رژیم صهیونیستی، ترجمه ی مرکز مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور، [بی جا]، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، [بی تا].
۲۱. مددی، حجت الله، داعیه داران دین(بررسی تحلیلی تاریخ دین یهود)، قم، نقش، ۱۳۸۶.
۲۲. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، [بی جا]، نشر مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ج۱.
۲۳. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران، البرز، ۱۳۶۰.
۲۴. ناس، جان بایر، تاریخ جامع ادیان، مترجم علی اصغر حکمت، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
۲۵. نجفی، محمّدباقر، بهائیان، تهران، کتابخانه ی طهوری، ۱۳۵۷.
([۱] . علی، شاهمرادی، تاریخ یهود، انتشارات نیکان کتاب، ۱۳۸۴، ص ۱۱.
[۲] . محمدبن علی بن حسین، ابن بابویه، علل الشرایع، قم، انتشارات داودی، بی تا، ص ۴۳.
[۳] . علی، شاهمرادی، ص ۲۸.
[۴] . حجت الله، مددی، داعیه داران دین، قم، نقش، ۱۳۸۶، ص ۲۲.
[۵] . علی، شاهمرادی، ص ۳۸ و ۳۹.
[۶] . حجت الله، مددی، ص ۴۵.
[۷] . علی، شاهمرادی، اقتباس از صص ۷۷-۵۲.
[۸] . حجت الله، مددی، صص ۵۲ و ۵۳.
[۹] . علی، شاهمرادی، ص ۳۶.
[۱۰] . همان، اقتباس از صص ۱۰۳-۹۴.
[۱۱] . حجت الله، مددی، ص۶۴.
[۱۲] . علی، شاهمرادی، اقتباس از صص ۱۱۹-۱۱۲.
[۱۳] . حجت الله، مددی، صص ۷۳-۷۱.

[۱۴] . علی، شاهمرادی، اقتباس از صص ۵۰-۱۴۵.
[۱۵] . همان، اقتباس از صص ۱۷۷-۱۶۹.
[۱۶] . همان، ص ۱۷۳.
[۱۷] . حجت الله، مددی، اقتباس از صص ۱۲۷-۱۱۳.
[۱۸] . همان، ص ۱۳۵.
[۱۹] . علی، شاهمرادی، صص ۱۹۶-۱۹۵.
[۲۰] . همان، صص ۲۱۳-۲۰۹.
[۲۱] . حجت الله، مددی، ص ۱۵۷.
[۲۲] . علی، شاهمرادی، صص ۲۲۲-۲۱۹.
[۲۳] . حجت الله، مددی، صص ۱۹۵-۱۸۷.
[۲۴] . علی، شاهمرادی، صص ۲۳۸-۲۳۵.
[۲۵] . جان، بایرناس، تاریخ جامع ادیان، مترجم علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱، صص ۵۶۶-۵۶۰).
[۲۶] . همان، صص ۵۶۹-۵۶۸.
[۲۷] . احمد، سروش نژاد، صهیونیسم: نوزایی- استقرار- فروپاشی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸.
[۲۸] . علی، جدید بناب، تحلیلی یهود در عصر نبوی، بی جا، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(قدس سره)، ۱۳۸۵، ص ۲۷.
[۲۹] . همان، ص ۳۴.
[۳۰] . همان، ص ۳۹.
[۳۱] . جعفر، سبحانی، فروغ ابدیت(تجزیه و تحلیلی از زندگی پیامبراکرم(ص))، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲، ص ۴۴۶.
[۳۲] . علی، جدیدبناب، تحلیلی بر عملکرد یهود، ص ۴۰.
[۳۳] . جهت تأیید این ادعا ر.ک: سوره ی آل عمران، آیه ۱۱۲.
[۳۴] . علی، جدیدبناب، تحلیلی بر عملکرد یهود، ص۴۹.
[۳۵] . همان، ص ۵۱.
[۳۶] . جعفر، سبحانی، منشور ج
اوید، قم، مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۳۷۵، ج۶، ص ۳۲۲.
[۳۷] . علی، جدید بناب، تحلیلی بر عملکرد یهود، ص ۶۶.
[۳۸] . سوره آل عمران، آیه ۱۸۱.
[۳۹] . همان، آیه ۶۹.
[۴۰] . جعفر، سبحانی، منشور جاوید، ص ۲۹۴.
[۴۱] . همان، ص ۳۰۰.
[۴۲] . علی، جدید بناب، تحلیلی بر عملکرد یهود، ص ۹۰.
[۴۳] . همان، ص ۹۹.
[۴۴] . جعفر، سبحانی، منشور جاوید، ص ۳۰۱.
[۴۵] . علی، جدیدبناب، تحلیلی بر عملکرد یهود، صص۱۰۸ و ۱۱۵.
[۴۶] . جعفر، سبحانی، منشور جاوید، ص ۱۲۳.
[۴۷] . علی، جدیدبناب، تحلیلی بر عملکرد یهود، ص۱۲۵.
[۴۸] . جعفر، سبحانی، منشور جاوید، ص۳۱۴.
نقش بارز یهود
۴۹ – نساء/ ۵۴
۵۰ - سید محمدحسین طباطبایی / تفسیر المیزان / مترجم سعید اختر رضوی /انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ایه ۵۴ سوره نساء
۵۱ – بقره/ ۴۷

۵۲ - آل عمران/ ۷۷
۵۳- مائده/۱۳
۵۴ - سید محمدحسین طباطبایی / تفسیر المیزان / مترجم سعید اختر رضوی /مائده /آیه۱۳
۵۵ - بقره /۶۱
۵۶ - مائده /۷۰
۵۷ - سید محمدحسین طباطبایی / تفسیر المیزان / مترجم سعید اختر رضوی / ایه ۷۰ مائده
۵۸ - آل عمران/ ۸۴
۵۹ - محمد جعفر اسلامی/شأن نزول آیات/انتشارات نشر نی/مکان نشر: تهران /نوبت چاپ: اول /سال چاپ: ۱۳۸۳ ش/صفحه ۷۴۲
۶۰ - نساء/ ۴۱
۶۱ - محمد جعفر اسلامی/شأن نزول آیات /صفحه ۱۷۰
۶۲ - توبه/ ۳۴
۶۳ - محمد جعفر اسلامی/شأن نزول آیات /صفحه۲۹۶
۶۴- نساء /۱۶۱
۶۵- ال عمران /۱۸۱
۶۶ - سید محمدحسین طباطبایی / تفسیر المیزان / مترجم سعید اختر رضوی / ال عمران /۱۸۱
۶۷ - اعراف /۱۳۸
۶۸ - سید محمدحسین طباطبایی / تفسیر المیزان / مترجم سعید اختر رضوی /اعراف / ۱۳۸
۶۹ - طه /۸۸
۷۰ - اعراف ۱۵۰
۷۱- مائده / ۲۱
۷۲ - مائده /۲۲
۷۳ - مائده /۲۵
۷۴- ناصر مکارم شیرازی/تفسیر نمونه /نساء/۵۱
۷۵ - حسین صابری/خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله / انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی/ مشهد / چاپ سوم / ۱۳۸۰/ ج ۲ /ص ۴۲۸
۷۶ - مائده /۵۷,۵۸
۷۷ - عبدالملک ابن هشام/السیره النبویه / ج ۱ /ص ۳۷۵
۷۸ - مائده /۴۹
۷۹- حسین صابری/خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله / چ ۲ ص ۴۳۰
۸۰ - ال عمران ۷۲
۸۱ - ناصر مکارم شیرازی/تفسیر نمونه / ال عمران /۷۲
۸۲ - عبدالملک ابن هشام/السیره النبویه / ج ۲ /ص ۲۰۴
۸۳ - ال عمران /۹۸, ۹۹
۸۴- سید جعفر شهیدی /تاریخ تحلیلی اسلام / انتشارات علمی و فرهنگی / مرکز نشر دانشگاهی تهران/ چاپ نخست/ تابستان ۸۳/ص۷۶
۸۵ - برای آگاهی از تفصیل بندهای این پیمان رک به فروغ ابدیت، ج ۱ ، ص ۴۶۲ -۴۶۵
۸۶- مهدی پیشوایی/ تاریخ اسلام(از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله)/انتشارات نشر معارف / قم / ۱۳۸۶/ ۲۰۹
۸۷- احمد امین/ پرتو اسلام/ ترجمه عباس خلیلی/ چاپ دوم/ تهران/ چاپ اقبال/ ۱۳۳۷ شمسی /ص ۱۵
۸۸- صادق آیینه وند/ تاریخ سیاسی اسلام/ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران /۱۳۶۴/ ص ۵۱
۸۹ - فراهانی /مترجمان، ترجمه مجمع البیان/تهران/چاپ اول/۱۳۶۰ ش /ج۱/ص: ۲۵۶
۹۰- محمد نصیری رضی / تاریخ تحلیلی اسلام/ انتشارات معارف / چاپ پانزدهم/ پاییز ۷۵/ ص ۱۰۰
۹۱ - حمید ترقی جاه/ترجمه سیرۀ المصطفی/انتشارات حکمت /تهران/چاپ اول/۱۴۱۲/ج۱،ص:۱۸

۹۲ - نورالدین‌علی/سمهودی/ وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی/ به‌کوشش محمد محیی‌الدین عبدالحمید/ درالاحیاء التراث العربی/ بیروت/ ۱۹۸۴م/ج۱/ص۱۵۷

۹۳ - عبدالملک ابن هشام /السیره النبویه/ انتشارات مطبعه المصطفی البابی/ قاهره/ ۱۳۵۵ ه.ق / ج ۴ و ۳/ص ۱۶۲

۹۴ - آل عمران/ ۷۵

۹۵ - مطهر ابن طاهر مقدسی / آفرینش و تاریخ / ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی / انتشارات آگه / تهران /۱۳۷۴/ج۲/ص:۶۶۴

۹۶ - سید جعفر سبحانی / فروغ ابدیت/ نشر دانش اسلامی/ قم/ چاپ اردیبهشت/ ۱۳۷۰/ص ۲۰۳ ـ ۲۰۴

۹۷ - نساء – ایه ۴۴

۹۸- ابن سعد/ طبقات الکبری / ترجمه محمود مهدوی دامغانی / انتشارات فرهنگ و اندیشه/ تهران/ ۱۳۷۴/ چ۱ ص ۱۴۸

۴۸ - بقره – ایه ۱۷۴

۹۹ - جلال‌الدین فارسی/پیامبری و جهاد/ انتشارات مؤسسه انجام کتاب/ تهران/ ۱۳۶۲/ ص ۴۷

۱۰۰ - ناصر مکارم شیرازی/تفسیر نمونه / ایه ۱۴۶ بقره

۱۰۱ - ابو علی بلعمی /تاریخنامه طبری /انتشارات البرز/مکان نشر: تهران /نوبت چاپ: سوم /سال چاپ: ۱۳۷۳ ش /ج ۳/صفحه ۳۳

۱۰۲ - احمد بن تاج الدین استرآبادی /آثار احمدی تاریخ زندگانی پیامبر اسلام ص و ائمه اطهار: / انتشارات میراث مکتوب/مکان نشر: تهران /نوبت چاپ اول/سال چاپ: ۱۳۷۴ ش / صفحه ۸۰

۱۰۳ - بقره /۱۰۰

***منابع و مآخذ نقش یهود در شهادت امامان :**

۱. قرآن مجید، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی

۲. نهج الفصاحه، ترجمه کاظم عابدینی مطلق، انتشارات فراگفت، ۱۳۸۶

۳. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ائمه(علیه السلام)، ۱۳۷۹

۴. اسرار غدیر، محمد باقر انصاری، انتشارات تک، ۱۳۸۴

۵. تبار انحراف، جمعی از نویسندگان، مؤسسه اطلاع رسانی و مطالعات فرهنگی لوح و قلم، ۱۳۸۳

۶. حماسه حسینی، مرتضی مطهری، ج۱، انتشارات صدرا، ۱۳۸۳

۷. ره آورد مبارزات حضرت زهرا(سلام الله علیها)، محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(علیه السلام)، ۱۳۸۱

۸. فرهنگ سخنان حضرت مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف)، محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(علیه السلام)، ۱۳۸۴

۹. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، ج۱و۲، انتشارات ارمغان طوبی، ۱۳۸۴

۱۰. مهار انحراف، جمعی از نویسندگان، ابتکار دانش، ۱۳۸۵

منابع و مآخذ نقش یهود در حادثه عاشورا:

سخنرانی حجت الاسلام ابرهیم نیا دانش پژوهدرس خارجه

*منابع و مآخذ نقش یهود در حادثه عاشورا

۱.سخنرانی جنا اقای شفیعی سروستانی که سالها سابقه پژوهش با موضوع مهدویت و دشمن شناسی را دارد.

۲.حجت‌الاسلام و المسلمین منصوریان دامغانی پژوهشگر تاریخ اسلام سخنرانی فرمودند

*منابع و مآخذآیا یهودیان ومسیحیان در ایجادحادثه عاشورا وشهادت امام حسین(ع) نقش داشتند؟

[۱]. ر. ک: شیخ مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۴۲، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق؛ طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک(تاریخ طبری)، ج ۵،ص ۳۴۸، بیروت، دار التراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق.

[۲]. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸ ، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.